

# راستگرایان افراطی تدارک سرکوب انقلاب را می بینند

ای حلقه های مهربانی

پدر و درمیان گیرید

یا قوت یگانه ما را

راستگرایان، مدافعان کلان سرمایه داری و بزرگ زمین داری، پشتیبانان پایه های اقتصادی-اجتماعی گذشته سیاه، یکبار دیگر تدارک حلقه جدید ننگینی را در زنجیر جنایتکارانه خود علیه پاکترین و جاننازترین فرزندان خلق، طبقه کارگر و زحمتکشان روستا می بینند.

تدارک "دادگاهی" را می بینند، که دنباله خط سیاه و افشاء شده "دادگاه ۵۳ نفر" (۱۳۱۶) توسط رژیم منفسور رضاخانی، "دادگاه سران حزب توده" (۱۲ اسفند ۱۳۲۷) توسط رژیم خاندان محمد رضاشاهی و دنباله "دادگاههای" ننگین پس از کودتای امپریالیستی ۲۸ مرداد ۳۲ علیه افسران توده‌ای (۳۴-۱۳۳۳)، علیه خسرو رویه (۱۳۳۷)، قهرمان ملی ایران، علیه حکمت جو و خاوری (۱۳۴۵)، علیه صابر و آصف (۴۶) علیه گلسرخی و دانشیان (۱۳۵۲) و علیه تیزابی ها و دیگر توده ای ها است.

در تمام این "دادگاهها"، که همه بسنه دادگاه خلق علیه رژیم ارتجاعی و حامیان امپریالیستی آن تبدیل شد،

پاکترین فرزندان خلق بر نیکت اتهام نشسته بودند. "جرم" همه آنها یکی بود:

میسن دوستی، عشق به زحمتکشان، کوشش برای سریندگی خلق های میهن ما، رزم خستگی ناپذیر

برای تحقق استقلال، آزادی و عدالت اجتماعی.

بقیه در صفحه ۸

راه توده

شهر مهاباد - حزب توده ایران در خارج از کشور

جمعه ۱۴ فروردین ۱۳۵۸ - شماره ۱۷ - جلد اول  
سال اول - شماره ۳۵  
پخش از ۹۰۰ تومان

## دستاوردهای انقلاب پیروزمند: تحولات بنیادی است

امام خمینی: "در جمهوری اسلامی (حساب ایسین سرمایه دارهایی که بزرگند و معلوم است که این سرمایه دارها اموالشان روی مشروعیت به این زیادی تمسک می کنند، از اینها حساب می کشند و آن مقداری که غیر مشروع است از ایشان مصادره می کنند." (جمهوری اسلامی ۵۸/۸/۱۳)

"امید آن است که رسیدگی به حال مستضعفین و مستندان کشور که قسمت اعظم ملت مظلوم را در بر می گیرد در راه برنامه ها قرار گیرد و در نخستین مجلس شورای اسلامی طرحهایی جنی در رفاه حال این طبقه محروم داده شود تا در پیشگاه خداوند متعال بیاضی از دیون خود - دتان را به این طبقه عزیز که جان خود را برای اسلام و آزادی و استقلال کشور در طبق اخلاص گذاشته و پیروزی را برای انقلاب اسلامی به ارمغان آورده اند، ادا کرده باشید.

طرحها و پیشنهادهایی را که مربوط بسنه عمران و رفاه حال ملت خصوصاً مستضعفین است انقلابی و با سرعت تصویب کنید.

پیام به مناسبت گشایش مجلس شورای اسلامی جمهوری اسلامی ۵۹/۳/۸

با مرور این بیانات و بیانات متعدد دیگر امام، که همگی برنامه های انقلاب پیروزمند بود، که همگی دستور کار ارگانهای انقلابی و دولتی بود، این نتیجه منطقی حاصل می شود، که انقلاب با وجود جانثاری و جانفشانی زحمتکشان برای آن و برای حفظ دستاوردهای

بقیه در صفحه ۹

## رای ۱۸ میلیون ایرانی به فراندیم جمهوری اسلامی ایران برای "رسمیت یافتن حکومت مستضعفین پرستگترین" بود

"ما بدتهاست که بر اساس مشی خود بسنه سوال مربوط به جمهوری یا سلطنت، به سنود جمهوری رای داد ایم. در مورد نام این جمهوری - ری، ما به همان ترتیب که آیت الله خمینی مسئله را مطرح میکنند، یعنی "جمهوری اسلامی"، چنانکه در گذشته نیز تشریح کرده بودیم، رای مثبت میدهم، زیرا اصل مطلب، محتوی سیاست حکومتی است."

مردم رنج دیده و ستم کشیده، میهن ما که با قیام خونین خود یکی از جبارترین نظامهای تاریخ بشری را سرنگون نمودند، به نیت ساختن

بقیه در صفحه ۱۰

روز دوازدهم فروردین سال ۱۳۵۸، مردم ایران به پای صندوقهای رای رفتند، تا بسنه پیروزیهای مسلم خود، که در صحنه های نبرد روزهای ۲۱ و ۲۲ بهمن ۱۳۵۷ بدست آورده بودند، لباس قانونی ببوشانند. امام خمینی روز ۱۲ فروردین را "سالروز رسمیت یافتن حکومت مستضعفین پرستگترین" خواندند.

کمیته مرکزی توده ایران، یک ماه قبل از برگزاری همه پرسی درباره جمهوری اسلامی، اعلامیه انتشار داد و از مردم دعوت کرد که به "جمهوری اسلامی" رای آری دهند. در اعلامیه گفته میشد:

## احزاب برادر و پیروهای ضد امپریالیستی از حزب توده ایران دفاع می کنند

تا بحال خبرهای دقیقی از اتهاماتی که علیه رهبران حزب توده ایران مطرح میشود در دست نیست. اگر به گفته های برخی محافظ رسمی جمهوری اسلامی ایران استناد کنیم، این دستگیریهایی در ارتباط با "جاسوسی بسود کشورهای شرقی بوده است." البته این بار هم خبرگزاری های عربی سخت فعال شدند تا اتهامات فوق را در بوق و کرنا بدهند.

اینگونه اتهامات ردیلانه علیه کمیونست ها، علیه مبارزان راه آزادی، استقلال ملی و عدالت اجتماعی چیز نوی نیست. باز هم کسانی میشوند

بقیه از صفحه ۲

روزنامه "رابو تیچسکو دلو" ارگان کمیته مرکزی حزب کمیونست بلغارستان در مقاله ای زیر عنوان "آزمون سخت در برابر انقلاب" در پاسخ یکی از خوانندگان خود که رویداد های اخیر ایران برایش شگفت انگیز و غیر قابل فهم بوده چنین مینویسد:

دستگیری گروهی از رهبران حزب توده ایران و از جمله رفیق نورالدین کیانوری در پیر اول کمیته مرکزی آن، در آغاز فوریه سال جاری در تهران، همچنان مایه نگرانی جدی در مورد سرنوشت این رفقای زندانی است که در انقلاب ضد سلطنتی ایران در سال ۱۹۷۹ شرکت فعال داشتند.

# زنده باد حزب توده ایران مدافع راستین استقلال، آزادی و عدالت اجتماعی

# احزاب برادر و نیروهای ضد امپریالیستی از حزب توده ایران دفاع می‌کنند

بقیه از صفحه ۱

این حقه قدیمی امپریالیستی را به کار گیرند. بجاست پرسیده شود چرا این کارها در ایران انجام میشود؟

همه میدانند که حزب توده ایران بطور فعال در مبارزه ضد امپریالیستی و در انقلاب فوریه سال ۱۹۷۹ شرکت داشته است. پس از پیروزی انقلاب، مستقل از بخرنجی زیاد وضع سیاسی داخلی، حزب توده ایران از سیاست روحانیون حاکم حمایت میکرد و می‌پذیرفت که پایه خط امام خمینی مشخص کننده جنبه های مردمی و ضد امپریالیستی انقلاب است.

این مشی سیاسی حزب توده ایران اصولی و تغییرناپذیر بود و تحقق بیگانه این مشی در فعالیت‌های حزب که خود را مسئول سرنوشت انقلاب میدانست بازتاب می‌یافت. هیچ دلیل دیگری برای ایزاد اتهامات واهی علیه رهبران حزب توده ایران نمی‌توان یافت. جز اینکه آنان بطور پیگیر از مبارزات کارگزاران و دهقانان و دیگر زحمتکشان کشور پشتیبانی میکردند.

بازداشت رهبران حزب توده ایران بمثابه وارد آوردن ضربه بزرگی است که در ایران و خارج از مرزهای آن از محبوبیت و احترام فراوانی برخوردار است. بدین جهت این هجوم تنها از جانب آن نیروهایی میتواند صورت گرفته باشد که در چهره این حزب مانع بزرگی بر سر راه خود می‌بینند و میکوشند آنرا از صحنه سیاست خارج کنند. این نیروها نه با دوز و کلک های امپریالیستی بیگانه هستند و نه فراموش کرده اند که طی تاریخ چهار سال اخیر ایران هر هجوم ارتجاع داخلی و پشتیبانان خارجیش علیه منافع مردم ایران، علیه استقلال-آزادی و دموکراسی در ایران، پیدون استثناء با هجوم همه جانبه علیه حزب توده ایران آغاز شده است.

حمله به حزب توده ایران با قصد تخریب در مناسبات دوستانه و اعتماد متقابل میان ایران و کشورهای جامعه سوسیالیستی و پیوسته اتحاد شوروی صورت گرفته که نه یکبار ثابت کرده است که مایل به ایجاد مناسبات حسن همجواری و دوستی با ایران میباشد.

حوادث اخیر در یکی از حساسترین لحظات تاریخ ایران روی میدهد. این نشانگر آنست که انقلاب ایران در برابر آزمونی سخت قرار گرفته و در کشور نیروهای محافظه کار ارتجاعی فعال شده اند.

سرنوشت انقلاب وابسته به اینست که آیا

اجازه داده خواهد شد این نیروها مسلط شوند یا نه.

روزنامه "دیلی ورد" ارگان کمیته مرکزی حزب کمونیست آمریکا در مقاله ای زیر عنوان "بازداشت رهبران حزب توده ایران" چنین مینویسد:

در روز ۱ فوریه در تهران، رهبران حزب توده ایران بازداشت شدند. دستگیری بر اساس اتهاماتی بی پایه جاسوسی و جعل اسناد می‌باشد.

کمیته مرکزی حزب توده ایران، در بیانیه ای درباره بازداشت های اخیر میگوید: یادآوری این واقعیت بجاست، که تاریخ چهار سال ایران نشان داده است که هر هجوم گسترده امپریالیسم بر منافع و مصالح ملت ایران، استقلال و آزادی دموکراسی در کشور یا حمله سرتاسری آن علیه حزب توده ایران، آغاز شده است.

کمیته مرکزی خاطر نشان میسازد: همانطور که بارها حزب توده ایران هشدار داده است، بار دیگر هشدار میدهد که توطئه سهمگین و عظیمی است که علیه انقلاب ضد امپریالیستی و مردمی ایران در مراحل تعیین کننده و حساس میهن انجام می‌پذیرد و هدفش سرکوب انقلاب و براندازی جمهوری اسلامی ایران است.

کمیته مرکزی به نقل از نامه سرگشاده ۱۸ ماهه هم کیانوری دبیر اول حزب توده ایران، به مقامات ایرانی چنین مینویسد: "جرم ما اینست که از دیر زمان راه انقلاب را بد رستی تشخیص دادیم. جرم ما این است که دوستان و دشمنان انقلاب ایران را چه در درون میهن و چه در صحنه جهانی بد رستی شناختیم. جرم ما اینست که با روشنی و پیگیری بر مواضعی که به آن صادقانه معتقدیم، ایستادیم."

هیئت اجراییه حزب کارگری کمونیست سوئد در نامه ای که در تاریخ ۱۷ فوریه ۸۲ در روزنامه ارگان این حزب درج شد، خواستار آزادی رفقای رهبری حزب و دیگر اعضای آن شدند. در این نامه که به سفارت ایران در استکهلم تسلیم و از طریق آن به دولت جمهوری اسلامی ایران ارسال شد، هیئت اجرایی حزب برادر پس از ذکر خبر دستگیری رفقا و بی پایه خواندن اتهامات وارده به آنها از حزب ما تجلیل کرده می‌نویسد:

"حزب توده ایران، حزب طبقه کارگر ایران، طی ۶۱ سال قهرمانانه و بیگیرانه بر علیه استبداد

سلطنتی، کلان سرمایه داری، بزرگ مالکی و بر علیه رژیم منقور شاه مبارزه کرد است. حزب توده ایران با تمام توان خود در انقلاب فوریه ۱۹۷۹ شرکت کرد و نقش تعیین کننده در تحکیم و تعمیق دستاوردهای ضد امپریالیستی و مردمی انقلاب ایفا می‌کند.

دشمنان انقلاب، امپریالیسم و ایادی داخلی اش هم اکنون تلاش دارند تا با توطئه چینی دستاوردهای انقلاب و جمهوری اسلامی ایران را نابود سازند. بهمین جهت نیز نیروهای ارتجاعی حمله خود را متوجه حزب توده ایران، قاطعترین مدافع استقلال، آزادی و عدالت اجتماعی می‌کنند. هیئت اجراییه سپس با اشاره به تضمین های امام خمینی در باره آزادی فعالیت برای نیروهای غیر محارب، ادامه می‌دهد: "ما نسبت به دستگیری نوزادین کیانوری و دیگر رهبران حزب توده ایران اعتراض می‌کنیم. ما خواستار آنیم که دولت جمهوری اسلامی ایران بلافاصله اقدام به آزادی این زندانیان نماید. و حق قانونی حزب توده ایران برای آزادی فعالیت در جهت تحکیم انقلاب ایران را تضمین نماید."

پشتیبانان انقلاب ایران در انگلستان خواستار آزادی رفیق کیانوری و دیگر عناصر مترقی در ایران هستند.

در حلقه تشدید تضیقات بر حزب توده ایران با دستگیری رفیق کیانوری و سایر رهبران حزبی طی یک توطئه گسترده راستگرایان و مخالفان سرمایه داری ادامه دارد و این مخالفان در رسانه های گروهی خود درباره بهبود مناسبات آبی خود با ایران و "لیبرالیزه" شدن فضای سیاسی و اقتصادی ایران در فشان می‌کنند، مخالفان لارگری و مترقی در کشورهای سرمایه داری غرب، یعنی بخشی از مدافعان واقعی انقلاب و خط ضد امپریالیستی و مردمی آن نگران سرنوشت انقلاب می‌باشند. آنها این اقدامات راستگرایان و مخالفان تحولات بنیادی بنفع زحمتکشان ایران را شدیداً محکوم می‌کنند و آنرا مخایر با مصالح انقلاب و اقدامی در خدمت امپریالیسم و ارتجاع می‌دانند.

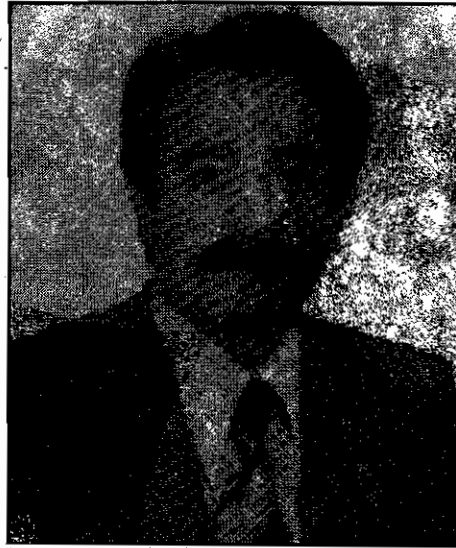
از لحظه پیروزی انقلاب خونین مردم ما، احزاب و سازمانهای کارگری و مترقی در کشورهای پیشرفته سرمایه داری در زیر باران بی وقفه تبلیغات سوامپریالیسم و با وجود پیچیدگی رویدادهای ضد و نقیض در روند مبارزات سیاسی جامعه ما، به کمک نظریات حزب توده ایران، خط ضد امپریالیسم

بقیه در صفحه ۳

## درود بر کمیته مرکزی حزب توده ایران

# رفیق رضاشلتوکی :

## سازمان دهنده مقاومت زندانیان در ۲۵ سال زندان



وی زندانیان سیاسی گشود و رفیق سلوکی نیز باغوش مردم میهن جرد بازگشت و یکسره و با تمام جان و دل در مسئولیت خطیر عضو هیئت سیاسی کمیته مرکزی حزب تنوذه ایران ، بکنار سازماندهی و احیای شکلات حزب پرداخت . تجربه عینی سیاسی و علمی رفیق رضاشلتوکی ، آشنائی او با سطهای مختلف و گرایشهای سیاسی مختلف زندانیان سیاسی ، آگاهی او بر مسائل و خواست های خلق کرد و همه مردم زحمتکش ایران برای حزب و برای خلق گرانهاست .

راکتیون دشمن انقلاب و خلق میگویند بسا دستگیری او و بازداشتها هم از سبب وانهضم در زمین است و سبب و سبب رفتن او به جوار باغ شدنت و ایران را به صحنه پانگویی و سادگی مجدد امپریالیست و ارتجاع تبدیل سازند . رفیق سلوکی یا بتواند تجزیه سیاسی و آگاهی اجتماعی اش را آخری ناید . در نبرد عظیمه امپریالیسم و وفاداری به راه خلق همیشه و در همد حال خدمتگزاری خود را میبین و مردم و طبقه کارگر ثابت کرده است .

رفیق شلتوکی ، که راه بنابر قطعیتی را از سازمان جوانان حزب تنوذه ایران آغاز کرده بود ، پس از اخذ درجه افسری در سازمان نظامی حزب تنوذه ایران به فعالیت خود ادامه داد . وی در شهریور ۱۳۲۴ ، بدنبال کشف شبکه این سازمان ، زندانی شد . و از آن وقت ، دوران ۲۵ ساله آغاز شد که طی آن ، رفیق شلتوکی حصائل عالی حزبی و انسانی و سیاسی و سازماندهی خود را ظاهر ساخت .

جلادان شاه مخلوع نتوانستند او را بزبان در آورند . برعکس او بود که تمام شرایط مهیب تحلیلی را در برابر باراده خویش در هم شکست و سازمان دهنده مقاومت جمع بندی زندانیان سیاسی او مریض تشل جوان مبارز شد . رفتار رفیق شلتوکی نمونه بارزی از رفتار مبارز آگاه و سحرآمیز است در زندان و در مقابله با سخت ترین شرایط ، چه از نظر محیط شکنجه و آزار از جانب زندانیان و چه از نظر جنس و ابد نولوژیک ناسالمی که گاه حاکم میشد . نسام او نه فقط در دفتر نبرد سیاسی ، بلکه در آثار ادبی درج است . تبعید در برازجان و سا - لهای زندان در اوین و قصر و مشهد و برازجان و همچنین شکنجه گاه کمیته ، هم او را بدیده و مجرب کرد و هم عده زیادی از جوانان را در مکتب او ، که مکتب حزب تنوذه ایران ، مکتب نبرد بی گمرد امپریالیستی و آزاد جدو هائیکه است ، پرورش داد .

رفیق شلتوکی با لحن گرم و خوش بینی زرف خود ، با فروتنی ویژه و قدرت نسوه خود ، محبت و احترام همگان را نسبت بخود جلب کرده است . برای او تمام این چتالهای افتخار آفرین و حماسه های فراموش نشدنی ، مسائلی است کافلا عادی ، که هر نودهای ، هر مبارزی ، بنحوی کاملا بد نهی میبایست و میبایست انجام دهد .

در آبانماه ۵۷ ، نبرد دلیرانه خلق ما ، که سه میرفت به بیروزی نزدیک شود ، درهای زندان را بر-

رفیق رضاشلتوکی ، عضو هیئت سیاسی کمیته مرکزی حزب تنوذه ایران ، یکی دیگر از رهبران حزبی است که به اتهام واقعی " جاسوس " بازداشت شده است .

رفیق سلوکی یکی از اعضا سازمان افسری حزب تنوذه ایران بود که ۲۵ سال در سایه جلالهای رژیم شاه بسر برد . بدستگیری دوباره او با " اتهامات " مشابه است که رژیم ستم ساهی نیز به او و باران در نرسدش می زد . اما نسبت به بداند این " اتهام " در وقتین و ساواک و امربالسم ساخته بهترین سند تاریخی برای افسان دسی است که برای ضربه زدن به حزب ما و از این طریق پیشه انقلاب ما بالا رفته است . رفیق سلوکی یکی از افسران نوده ای است که پس از پنج سال و بیشتر در زندانهای شاه معدوم هماتند سجنه پیولادین مقاومت کرد و برحکم حزب تنوذه ایران و مردم قهرمان را سلمه سردمداران نظام فاسد و خوخواز بنیین افراشته و سر بلند نگذاشت .

رفیق سلوکی در سال ۱۳۰۵ در کرمانشاه متولد شد . تحصیلات ابتدای و وحشی از مسطه را در کرمانشاه گذراند و در تمام این مدت و پس از آن سیر در کنار خلق کرد بوده و با تمام مسائل و خواست های حماسی و جفاکش از نزدیک آشنا شد . وی در سال ۱۳۱۹ در تهران تحصیلات متوسطه را تمام کرد و در سال ۱۳۲۲ فای التحصیل دانستند ، ترویج هائیکه شد . رفیق سلوکی برای نمودن مدار ترفی و دست یافتن به یک زندگی مردم فردی و ارد ارتش تنوذه بود . آرمانهای بزرگ و عزیز و طلب او را تسخیر کرده بود . در سال ۱۳۱۴ مبارزه سیاسی را در صفوف حزب تنوذه ایران آغاز کرد و برای خلق متذلل بوده و میبرد م تحمیش سراسر مین خیره خلق مسائل فلسفی خلق کرد ، مد رسیم راه راستین را یافت .

### احزاب برادر و نیروهای ضد امپریالیستی از حزب تنوذه ایران دفاع می کنند

در روزنامه "مونتیک استار" بازگو کننده نظریات حزب کمونیست بریتانیا ، درج شد . همچنین طبق نوشته همین روزنامه ، در تاریخ پنجشنبه ۲۴ فوریه از طرف استن کول رئیس مجمع اتحادیه کارگران فنی شمال منچستر طوماری به کنسولگری جمهوری اسلا می ایران در منچستر تحویل داده شد ، که توسط آن شخصیتهای مهم جنبش سندیلائی و کارگری انگلستان خواستار آزادی رفیق کیانوری دبیر اول حزب تنوذه ایران و دیگر عناصر مترقی شده بودند .

شعب کمیته دفاع از انقلاب ایران ، از جمله در نیوکاسل ، میدلند و در منطقه غربی بریتانیا ، به مناسبت چهارمین سالگرد انقلاب شکوهمند ضد امپریالیستی و خلقی ایران مراسمی برگزار نمودند ، که مورد استقبال قرار گرفت . در این برنامه ها گروه کرایرانی منجست سرود های انقلابی بقیه در صفحه ۱۵

واقع حدی برای تحقق خواستهای اساسی و مردمی انقلاب و حمله ای به دستاورد های ترانینگ آن خوانند . رفیق جری پوکات مسئول بخش بین المللی حزب کمونیست بریتانیا سپس یکی بیانیانی ضمن تجلیل از انقلاب ضد امپریالیستی و مردمی ایران و اعلام مجدد پشتیبانی حزب خود از خط ضد امپریالیستی و مردمی آن ، اقدام اخیر راستگرایان در تشدید تصیفات به حزب تنوذه ایران و بازداشت رهبران حزبی را محکوم کرده آنرا سرب آغاز یورش به نامی دستاورد های انقلاب و حرکتی در جهت منحرف کردن گرایش اصلی انقلاب دانست . رفیق پوکات در حاشیه سخنرانی خود ، پشتیبانی و همبستگی حزب کمونیست بریتانیا را با حزب تنوذه ایران و سایر نیروهای مترقی ایران اعلام داشت . گزارش این مراسم که در تاریخ ۱۷ فوریه برگزار گردید ،

بقیه از صفحه ۲

لیستی و مردمی امام خمینی را شناخته و همواره در جو سیاسی مساعدی از آن دفاع کرده و به افشای دشمنان انقلاب از هر تلف و رنگی پرداخته و می پردازند .

در مراسمی که از طرف بخش لندن حزب کمونیست بریتانیا به مناسبت چهارمین سالگرد انقلاب مردم ایران تحت عنوان " حزب تنوذه ایران و انقلاب ایران " در لندن برگزار گردید ، نمایندگان سلیمان هواناران حزب تنوذه ایران در بریتانیا ضمن سخنرانی پس از شرح تحولات اخیر ، یورش به حزب تنوذه ایران و بازداشت رهبران حزبی ، از جمله رفیق کیانوری را نوطه جدید راستگرایان در جهت منح انقلاب و حالی کردن آن از محتوای ضد امپریالیستی و مردمی اشد دانسته و آنرا در

# چگونه آمریکای لاتین علیه فرمانروائی امپریالیسم می رزمند؟

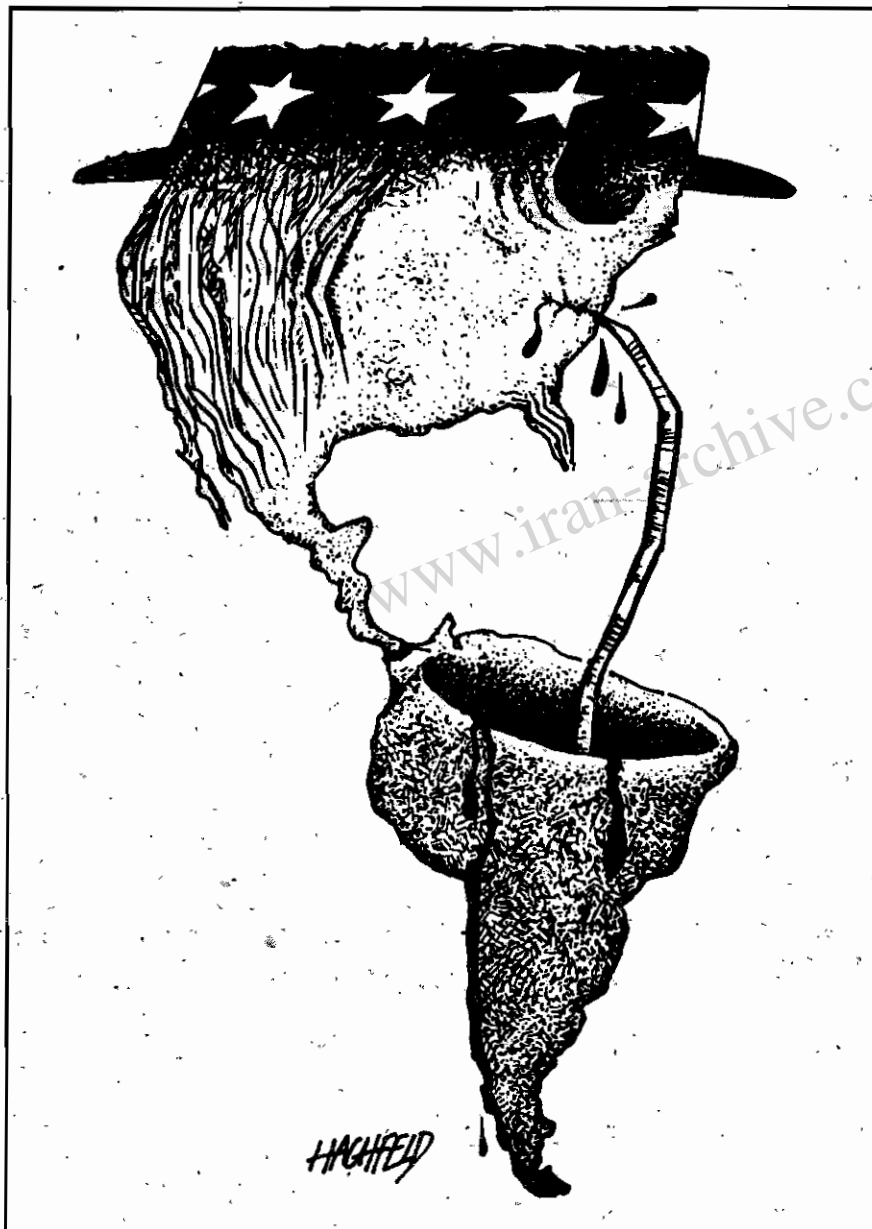
مرحله کنونی توسعه جهانی با حاد شدن بحران عمومی سرمایه داری مشخص میشود. این روند عمیق و قانونمند خصلت سراسری دارد. در هر یک از نقاط جهان با شدت بیشتر یا کمتر میتوان علامت آنرا دید. آمریکای لاتین هم از این حکم مستثنی نیست. صرفنظر از تلاشهای امپریالیسم بین المللی و ویژه امپریالیسم آمریکا برای نگاهداشتن این منطقه زیر کنترل سیاسی خود در آنجا جریان های نیرومند آزادی بخش برای کسب استقلال واقعی و تحقق عدالت اجتماعی در حال شکل گرفتن است.

آن زمانهایی که آمریکای لاتین "حیاط اند - رونی" امپریالیسم آمریکا محسوب میشد یکسر سپری گردیده است. نظام کنترل همه جانبه نظامی و سیاسی و سلطه اقتصادی که طی دهها سال توسط امپریالیسم آمریکا تحمیل شده بود با پیروزی انقلاب شکوهمند کوبا دچار تزلزل جدی گردید. این پیروزی، افسانه وابستگی غیر قابل اجتناب کشورهای آمریکای لاتین و خلقهای را به همسایه نیرومند آمریکای شمالی کهنه کرد. مبارزه خلقهای آمریکای لاتین با غارتگران داخلی و خارجی و بمنظور ساختن جامعه ای بر پایه عدالت اجتماعی روندی در خط مستقیم و آسان نیست. این مبارزه جزر و جود زیادی را دیده، موفقیت ها گاه، ناکامیهای موقت را بدیده داشته و پیروزیها یا عقب نشینیها همراه شده است. کافی است که به وضع در شیلی در پایان دهه شصت و آغاز دهه هفتاد توجه کنیم که پیروزی نیروهای دموکراتیک شکست آنها بر اثر کودتای فاشیستی سازمان داده شده توسط سی-آی-ای انجامید. اما عقب نشینی موقت، در بخشهای معینی از جبهه مبارزه آزاد بخش، بمعنی شکست نیست.

ویژگی روند آزاد بخش انقلابی ضد امپریالیستی در منطقه آمریکای لاتین بمقدار زیادی مربوط به این اوضاع و احوال است که در بیشتر کشورهای این منطقه نوعی توسعه حاکم شده که باید آنرا بطور مشروط سرمایه داری وابسته نامید. یکی از قانونمندیهای اصلی اینگونه توسعه این است که رونق نیروهای مولد پیوسته همراه با پدید آمدن مشکلات حاد اجتماعی-اقتصادی میگردد. بطوریکه طی سی سال گذشته گرچه رشد اقتصادی اکثر کشورهای آمریکای لاتین بسیار سریع بوده و کل محصولات منطقه تقریباً پنج برابر شده است، معیشت اکثریت عظیم اهالی از ثمرات این ترقی اقتصادی بی بهره ماند. سهم آنان، مانند گذشته تنها فقیر و بیعدالتی اجتماعی بوده است. هیچگونه تغییری در بیکاری، وسیع و مزمن، نظام ضعیف آموزشی، حفظ تندرستی و درمان و بیمه های اجتماعی پیدا نشده و روشن است که همه آنها منجر به رشد و خامت اجتماعی میگردد. دگرگونی اصلی در مقابل هم قرار گرفته است. گرایش کشورهای امپریالیستی که هدفش حفظ آمریکای لاتین بعنوان حلقه وابسته و قابل بهره کشی در اقتصاد جهانی سرمایه داری است و گرایش نیروهای ملی و میهن پرست برای

تضعیف این وابستگی و تحکیم اقتصاد ملی این دو گرایش تا اندازه زیادی مشخص کننده وضع در قاره است. در جریان این نبرد است که روند یخچرخ تحول در اقتصاد وابسته صورت میگیرد. شکل های سنتی کنار گذاشته میشود و شکل های تازه مربوط به سیاست نواستعماری جانشین آنها میگردد. اما در مجموع، تناسب نیروها در پیکار میان امپریالیسم و جنبش انقلابی آزاد بخش رسود بخش اخیر در حال تخییر است. این جنبش از امکانات مهمتر و وسیعتری

رشته های اصلی صنعتی ( اتومبیل سازی، ماشین سازی، صنایع الکتریکی و غیره) تامین میکند. با استفاده از روشهای پرده پوشی شده برای کنترل ( بصورت ارتباطات تکنولوژیک، اعتباری، بازار فروش و نظایر آن)، امپریالیسم میخواهد در برابر مبارزه خلقهای آمریکای لاتین در راه استقلال اقتصادی مواضع غیر قابل عبور بگذارد. انحصارات بین المللی استعمار کشورهای آمریکای لاتین را تشدید می کنند. موافق ارزیابی بانک بین المللی توسعه، در سالهای دهه



برای رویارویی با تحمیلات امپریالیستی برخورد می شود.

اما نباید به نیروی اقتصادی امپریالیسم در منطقه که مواضع اساسی اقتصادی و سیاسی راد دست دارد کم بها داد. رشد دائمی سرمایه گذاریهای مستقیم خارجی ( که تنها در دهه هفتاد تقریباً ۴ برابر شده است)، وضع مسلطی را برای سرمایه های بین المللی بخصوص ربعی

هفتاد، این انحصارات از طریق سود سرمایه گذارهای خود حدود هشتاد میلیارد دلار به دست آورد. مانند که بیش از مجموع سرمایه گذارهای خارجی در منطقه است. کشورهای آمریکای لاتین هیه ساله میلیارد ها دلار بر اثر مبادلات نابرابر با کشورهای سرما یهداری پیشرفته، پرداخت ربح گران قروض دریافتی در صفحه ۱۱

# دست‌ها از نیکاراگوئه انقلابی کوتاه

عملیات تخریبی علیه نیکاراگوئه پایان داده شود. واشنگتن نمیخواهد قبول کند که نمیتواند انقلابی را که سخت در توده های مردم و در منطقه ریشه دوانده و دفاع از آن امر هر آزادیخواهی درجه است، به شکست کشاند.

دوران فعال مایشائی امپریالیسم سپری گشته است. ابتکار تاریخی در دست نیروهای است که در طی ساختن آینده اند.

مردم نیکاراگوئه نیز سهم خود را در این پیشکار جهانی تحت شعار "میهن یا مرگ" ادا کرده اند و اینبار نیز از آزمایش تاریخی سربلند بیرون خواهند آمد.

کنار مرد و زن ضد انقلابی در حال جنگ علیه نیروهای مسلح نیکاراگوئه میباشند. با وجود وسعت تجاویز و عملیات وحشیانه از طرف این مزدوران نیروهای انقلابی کشور موفق شده اند بسیاری از مزدوران را به هلاکت رسانده و آنها را در بسیاری نقاط به عقب نشینی وادارند. دانیل اورتگا، هم-آهنگ کننده شورای وزیران نیکاراگوئه، در دیداری با یوری آندریف دبیر کل کمیته مرکزی حزب کمونیست اتحاد شوروی در مسکو اوضاع نیکاراگوئه را با اطلاع مقامات شوروی رسانده. اتحاد شوروی همبستگی کامل خود را با دولت و انقلاب نیکاراگوئه اعلام و با محکوم ساختن این تجاویز خواست که به هرگونه

اوضاع در آمریکای مرکزی متشنج گشته است. در بسیاری از مناطق مرزی نیکاراگوئه جنگ شدید در جریان است. نیروهای انتظامی کشور در حال دفع تجاویز باند های مزدوران ضد انقلابی هستند. این باند ها که از مرز هند وراس به داخل نیکاراگوئه رخنه کرده اند، مجهز به سلاحهای آمریکائی هستند و در اردوگاههای ویژه در هند وراس از طرف مستشاران آمریکائی تعلیم دیده اند تا علیه حکومت انقلابی در نیکاراگوئه بکار گرفته شوند.

سازمان جاسوسی آمریکا، سیا، در انجام این عملیات تجاویز کارانه نظارت مستقیم دارند.

این حادثه تازه ای برای نیروهای انقلابی نیست. اولین باری نیز نیست که ضد انقلاب فراری از کشوری سعی کرده است با فعالیت‌هایی از این دست آب رفته را به جوی بازگرداند. دستها در نیکاراگوئه نیست که دست جنایتکاران یانگی در کار است. حوادث خلیج خوکها، رویداد های کشور خودمان ایران، در آنگولا، در شیلی و غیره همه بر ای جهانیان نمونه های آشنائی هستند.

استراتژی عمومی امپریالیسم آمریکا در جهت بازستاندن مناطق نفوذ خود در اقصی نقاط جهان و "ابتکار تاریخی" است که از مدتها پیش از کف داده اند.

از ساعت‌های اول پیروزی ساندینیست‌ها، امپریالیسم آمریکا از هیچ کوششی برای به شکست کشاندن انقلاب مردمی این کشور فروگذار نکرده است.

آمریکائیه‌ها که سوموزا را ۲۵ سال تمام برگرد مردم این کشور تحمیل کرده بودند، پس از فرار وی و دار و دسته‌اش، آنها را در هند وراس گرد آوردند و آموزش دادند و آنها را برای چنین روزی آماده نمودند تا "دست مبارک حامیان آزادی در جهان به خون آغشته نگردد".

تمام کوششهای آمریکا برای متزلزل ساختن حکومت انقلابی در نیکاراگوئه تحت ادعای قدیمی "خطر کمونیسم" انجام میگردد. نیکاراگوئه انقلابی در کنار کوبای انقلابی قرار گرفته است و السالوادور نیز بزودی به آنان خواهد پیوسته طبق گفته ریگان "بعد نوبت گواتمالا و دیگران خواهد رسید و این غیر قابل تحمل است" و تلاشهای آمریکا نیز درست پدیدین خاطر است.

به درخواست دولت انقلابی نیکاراگوئه، شورای امنیت سازمان ملل متحد تشکیل جلسه داد تا اوضاع را مورد بررسی قرار دهد. نماینده نیکاراگوئه اسناد و مدارک کافی پیرامون اوضاع و دخالت آمریکا در عملیات خرابکارانه ضد انقلابیون به سازمان ملل ارائه داد. تمام کشورهای دوست فراخوانده شده اند تا با همبستگی خود با نیکاراگوئه انقلابی مانع از تمهیق بحران گردند. دولت نیکاراگوئه از هند وراس خواست که به مداخله خود در امور داخلی نیکاراگوئه پایان دهد. طبق گزارش مقامات نظامی نیکاراگوئه، نیروهای منظم ارتش هند وراس نیز در



## نقشه‌های خطرناک برای جنوب آفریقا

میان دو کشور را به مرحله جدیدی میرساند. جالب اینکه دکترین جدید تحت ادعای "خطری که از خارج موجودیت جمهوری آفریقای جنوبی را تهدید میکند" تدارک دیده میشود.

نژادپرستان پرتوریا و حامیان میکوشند چنین وانمود کنند که اتحاد شوروی برنامه‌هایی برای مداخله در جنوب آفریقا در پیش دارد. محافل حاکمه در آفریقای جنوبی و ژنرال‌های آمریکائی طرح‌هایی نیز برای پی ریزی یک اتحادیه نظامی در دست تهیه دارند. چیزی که در استراتژی عمومی آمریکا میگردد.

سمت گیری برای نزدیکی هرچه بیشتر آمریکا و رژیم نژادپرستان در جنوب آفریقا و آمادگی واشنگتن برای پذیرفتن ژاندارمی قاره آفریقا و تهدید های هسته ای از طرف رژیم پرتوریا، خطر جدیدی برای صلح و امنیت خلقهای آفریقا و خصوصا کشورهای مجاور آن در جنوب آفریقا بشمار میرود.

سیاست "همکاری خلاق" با جمهوری آفریقای جنوبی که از طرف دولت ریگان اعلام شده است، پرتوریا را بر آن داشت تا بعضی تغییرات در سیاست نظامی استراتژیک خود وارد سازد. گزارشات مطبوعات حاکی از تهیه برنامه های عملی از طرف سران نظام آفریقای جنوبی برای "وضع بحرانی احتمالی" است. در این برنامه ها دخالت مستقیم نظامی آمریکا در نظر گرفته شده است. علاوه بر این کارشناسان نظامی پرتوریا اعلام داشته اند که در موارد اضطراری نباید کاربرد سلاحهای هسته‌ای را در کنار سلاح های شکاری از نظر دور داشت.

همکاریهای نظامی آمریکا و رژیم نژادپرستان پرتوریا تاکنون به ارسال سلاح و تجهیزات و کمک به ایجاد صنایع نظامی در جمهوری آفریقای جنوبی خلاصه میشد. اما سمت گیری کنونی برای استفاده از "سلاح سبکها" در موارد اضطراری مناسبات جنایتکارانه

### بخاطر صلح، در راه زندگی، علیه جنگ هسته‌ای

# “ره نمودهای” امپریالیسم و عملکرد آن

در اطلاعیه کمیته مرکزی حزب توده ایران در مورد بازداشت عدای از اعضا رهبری حزب و از جمله رفیق کیانوری دبیر اول کمیته مرکزی و چند نفر از شخصیت های برجسته ادبی و هنری متوسری ایران ، از جمله آمده است : “کمیته مرکزی حزب توده ایران از مدتی قبل محتوای توطئه ناجوانرمانه دانه امپریالیسم و ایادی داخلی آن را که به اشکال مختلف برای ضربه زدن به حزب توده ایران چیه شده است افشا کرده و انگیزه اساسی این توطئه ها و جرائم و اتهامات و افتراءات منتسبه نشان داده است .”

نگاهی هر چند مختصر به نشریاتی که بیانگر نظریات محافل سرمایه داری و انحصاری امپریالیستی بخصوص امپریالیسم امریکا هستند به روشنی نشان می دهد که “انگیزه این توطئه ها چیست و در پس اتهامات و افتراءات واهی “جاسوسی” و جعل اسناد” چه چنگ و دندان برای انقلاب ما تیز شده است . این تبلیغات نشان می دهند که چگونه برای رسیدن به این مقاصد شوم ضروری است بین گیرترین و ثابت قدمترین نیروها از گرد انقلاب پراکنده شوند تا راه برای “مرمت روابط” هموار شود . نمونه ای از اینگونه تبلیغات مقاله ایست تحت عنوان “ایران در تلاش مرمت روابطش با امریکا” که در روزنامه اینترنشنال هرالد تریبون ، شماره هشتم فوریه ، به چاپ رسیده است . ظاهرا این مقاله زمانی نوشته شده است که خبر بازداشت اعضا رهبری حزب توده ایران در اختیار این روزنامه نبوده است و یا هنوز از اجرای این توطئه اطمینان نداشته است . ولی بهر حال نکاتی در این مقاله وجود دارد که به طور حیرت انگیزی به وضوح مواضع و اهداف امپریالیستها را در مورد انقلاب مردم ما بیان می کند . اما آنچه که در این لحظات حساس برای جامعه ما خطرناک و در عین حال دردناک است آمال و آرزوهای امپریالیستها و یا جماعات تراویده از قلم نویسندگان این مقاله نیست ، بلکه تطبیق بسیاری از “ره نمودهای” امپریالیسم در زمینه های مختلف با واقعیت روند کنونی حرکت سیاست حاکم بر جامعه ماست که راست گرایان آنرا با سرعتی باورنکردنی به پیش می رانند . در این مقاله آمده است که “ملاهای حاکم بر ایران شمار علامات به ایالات متحده ، حاکی از امکان بهبود مناسبات با این کشور را افزایش می دهند” و “ایران موافقت کرده است که ۲۶ میلیون دلار بابت غرامت برای اشغال سفارت امریکا که مدتی طولانی از طرف انقلابیون “لانه جاسوسی” نامیده می شد ، بپردازد .” این روزنامه حتی برای این غرامت ارزش سمبولیک قائل شده و آنرا “تازه ترین اقدام در سلسله اقدامات آشتی جویانه ایران با امریکا” نامیده است . طبق گزارش این روزنامه ایران به شرکتهای امریکائی که در جریان انقلاب متحمل خسارتی شده اند ، غرامت می

پردازد و مذاکرات مقدماتی در لندن برای حل مشکلات بانکهای امریکائی ، که شرکای بانکی ایرانی شان در سال ۱۹۸۰ ملی شدند ، در جریان است . ولی چیزی که برای این روزنامه در صدر اهمیت قرار دارد اینست که “برای اولین بار مقامات رسمی وزارت امور خارجه امریکا اجازه دارند که در جلسات کمیسیون مشترک امریکا و ایران که در راهیه تشکیل می شود و هدفش نظارت بر اجرای موافقتنامه هاشی است که موجب آزادی گروه گانها گردید ، حضور یابند . هر دو کشور علاقمند اند که تماسها را حفظ کرده و گسترش دهند ، چیزی که حتی یکسال پیش در تهران توفانی به پا می کرد .”

بله ، امپریالیستها هنوز “توفان” انقلابی بعد از ملاقات لیبیرالها با برژینسکی را فراموش نکردند ! بیاد بیاوریم که همان روزها هم باران اتهامات و “بایستگی” و “تودهای” بر سر دانشجویان مسلمان انقلابی پیرو خط امام باریدن گرفت . این شیوه همیشگی ایادی امپریالیسم و راستگرایان است برای تهی کردن انقلاب از محتوای مردمی و ضد امپریالیستی آن و وسیله ای است که بی شک در آینده نیز بر علیه همه آن مبارزان مسلمانان که به تعهد خود در مقابل شعار های عدالت خواهانه انقلاب پایبندند به کار گرفته خواهد شد . این روزنامه در ادامه با خوشحالی مودبانهای از گسترش مبادلات و مناسبات جمهوری اسلامی با غرب یاد کرده می نویسد : “تجارت بین ابالات متحده امریکا و ایران در حال گسترش است و طی سال گذشته ایران معادل ۱/۱ میلیارد دلار مواد غذایی ، دارویی و صنعتی از امریکا خریداری کرد و مقدار فاش نشدهای نفت خام با قیمتی “گیرا” به این کشور فروخته است و طبق اظهارات منابعی در تهران ، قرارداد های تجاری زیادی نیز در شرف بسته شدن می باشند .”

امپریالیستها برای دلگرمی سایر سرمایه داران می نویسند که “موضع جدید ایران در سیاست خارجی آن انعکاس تخفیرات داخلی در ایران است که به موجب آن دولت مقداری در سیاست های اقتصادی خود کوتاه آمده و به طبقه متوسط آزادی عمل داده است .” آنها برای ابراز قدر دانسی از خدمات توکلی و شرکا “قانون کار دستبخت آنان راجز اقداماتی در جهت “لیبرالیزه” کردن اقتصاد کشور دانسته اند !

این روزنامه در پایان مقاله خود از قول یک دیپلمات عالی رتبه غربی می نویسد : “غرب سه هدف را دنبال می کند :

- تلاش برای از بین بردن هرگونه همسویی بین ملاها و مسکو .
- پایان دادن به کاهش روابط ایران با غرب .
- جان تازه دیدن بر آن ارتباطاتی که بین ایران و غرب وجود دارد و هنوز در آنها روحی

باقی مانده است . این دیپلمات غربی سپس می گوید : “غرب طی ۱۴ ماه گذشته کارنامه رضایتبخشی در سه مورد بالا دارد . دیپلماتهای غربی در تهران پیخت در تلاش بوده اند که به ملاها بفرمانند وضعیت افغانستان محتاج توجه بیشتری است . . . . ما می خواهیم ملاها از خود این سؤال را بکنند که چه نیروی است که می تواند صبحانه را در کشور خود بخورد و برای تهران باشد ؟”

این روزنامه سپس می نویسد : “تزدیکی فزاینده ایران با ترکیه و پاکستان ، این متحدان چهار سال قبل ایران در پیمان سنتورا باید با اهمیت ویژه ای در چارچوب روابط جمهوری اسلامی ایران و غرب دید . ترکیه به عنوان متحد پروپا قوس امریکا می تواند “به موقع” برای گسترش مذاکرات بین ایران و امریکا دست یاری دهنده ای باشد .”

و بالاخره این روزنامه مقاله خود را از قول یک تاجر ایرانی که با هیئت حاکمه ایران در ارتباط است این گونه پایان می دهد : “ملاها خواهان مرمت روابط خود با ایالات متحده هستند ، منتهمی مشکل موجود اینست که چگونه این کار را بدون دست دادن حیثیت خود انجام دهند .”

بخش پایانی این مقاله بتدرکافی گویاست و نیت پلید امپریالیسم و کارگزاران و ایادی داخلی آنها را با وقاحت هر چه تمامتر بیان می دارد . آنچه دل هر انقلابی نگران سرنوشت انقلاب و نگران وضع زحمتکشان و محرومان جامعه ما را به درد می آورد ، موفقیت روزافزون این شیوه های امپریالیستی در شئون مختلف حیات اجتماعی ، اقتصادی و سیاسی میهن ما است . مردم ایران ، بازماندگان و وارثان دهها هزار شهید به خون خفته که با شعار استقلال ، آزادی و عدالت اجتماعی جان گرانقدر خود را نثار تحقق خواست های محرومان جامعه کردند ، بی شک نیروهای و ظادار به آرمانهای انقلاب و شهدای خلق را خوب می شناسند و اتهامات امپریالیسم ساخته بر ثابت قدم ترین نیروهای مدافع انقلاب را حرکتی در جهت یورش به خواستهای خود و بی مقدار کردن خون عزیزان خود می بینند و آنرا نخواهند بخشید . بزرگ مالکان و سرمایه داران بنا بر ماهیت غارتگرانه خود اشتباهی سیر ناپذیری برای غارت و چپاول دارند . آنها چه در داخل و چه در خارج نیروی متحد ضد انقلاب را پشت سر خود دارند . برای مقابله جدی با آنها ، برای حراست از دستاورد های به خطر افتاده انقلاب و بوسری مصافح بر سر مرگ و زندگی انقلاب ، نیروهای مدافع خصلت ضد امپریالیستی و مردمی انقلاب راهی به جز تلاش در جهت تشکیل جبهه متحد خلق ندارند . در این مقطع حساس و دشوار کنونی این تلاش وظیفه وفاداران به آماجهای اساسی انقلاب به ویژه پیروان سوسیالیسم علمی و مبارزان انقلابی مسلمان می باشد .

**برای مبارزه با امپریالیسم آمریکا ، دشمن اصلی مردم ایران ، متحد شویم !**

# حزب کمونیست پرتغال خواهان یک چرخش و ابعاد مکرراتیک



۵ مارس ۱۹۸۳ تالار ورزشی لیسبون، مانند تمام سالهای پس از سقوط فاشیسم در پرتغال، شاهد یک گرد همائی بزرگ حزب کمونیست پرتغال بود. بیش از هزار نماینده حزبی و چندین هزار اعضای حزب، که طبق سنت همیشگی بعنوان میهمان در کنفرانسهای حزب شرکت می جویند، با مشتبهای گره کرده و اغراشته و فریاد های "زنده باد حزب کمونیست پرتغال"، بر تصیغات کنفرانس ملی مبنی بر پیش کشیدن تاریخ انتخابات پارلمان جدید در ۲۵ آوریل ۱۹۸۳ و سیاست اصولی حزب خود مهر تایید زدند.

رفیق "آلوارو کونیال" دبیرکل حزب کمونیست پرتغال در یک سخنرانی، اوضاع سیاسی کشور را مورد بررسی قرار داد و به توضیح وظایف حزب برای این مرحله از مبارزات پرداخت. وی در این رابطه به نظریات و پیشنهادات بیش از ۲۰۰ هزار کمونیست پرتغالی، که اخیرا در کنفرانسها و گرد همائی های حزبی مطرح شده بود، استناد می -

جست.  
"آلوارو کونیال" در این سخنرانی تاکید کرد، که استعفای دولت "پینو بالزماثو"، فروپاشی "آلیانس د مکرراتیک" متشکل از احزاب بورژوازی بزرگ، منحل شدن پارلمان و پیش آوردن تاریخ انتخابات جدید توسط ریاست جمهوری، آرزوی تریخ موفقیتناهی است، که در اثر مبارزات چندین ساله کمونیستها، د مکرراتیهای واقعی و نیروهای میهن دوست، تصیب آنها شده است. بدین ترتیب زمینه لازم برای وارد کردن شکست قطعی به احزاب دست راستی، در انتخابات آینده و دور کردن دست آنها برای همیشه از حاکمیت سیاسی، فراهم گشته است.

در این رابطه نقش و موضعگیری حزب سوسیالیست پرتغال نیز، که در تعیین تکامل آتی کشور سهیم است، حائز اهمیت می باشد. با توجه به ایسن واقعیت، که حزب سوسیالیست تاکنون همیشه با احزاب دست راستی ائتلاف نموده، این مسئله در کنفرانس بصراحت مطرح شد، که این حزب تنها در صورتی می تواند به یک آلترناتیو واقعی د مکرراتیک تبدیل شود، که با نیروهای دست راستی قطع رابطه کرده و نهایتا با نیروهای مترقی و خصوصا حزب کمونیست پرتغال همکاری نماید.

آخرین مسئله و مهمترین وظیفه ای، که در کنفرانس مورد بررسی قرار گرفت، این بود که "اتحادیه انتخاباتی خلق" (ای. پی. یو)، متشکل از حزب کمونیست، جنبش د مکرراتیک پرتغال، هواداران حفا - ظت از محیط زیست و بسیاری شخصیتهای مستقل سیاسی دیگر، تعداد آرای انتخاباتی و کرسی های خود در پارلمان را حتی المقدور افزایش دهند. تنها در صورت تشکیل اکثریتی از نیروهای چپ در پارلمان، میتوان شناسائی ارائه نمود، که مشکلات جدی کشور را بر پایه احترام به قانون اساسی و حقوق و آزادیهای د مکرراتیک حل کند.

کمونیستها در این کنفرانس یاد آوری کردند، که سه دولت "بالزماثو" تا برگزاری انتخابات همچنان در قدرت باقی است و بهمین جهت میبایست با تمام نیرو برای ابرام قوانین د مکرراتیک در طی کسارزار

انتخاباتی مبارزه شود. این سؤال که چگونه دولتی باید زمام امور را در دست گیرد، در مرکز ثقل تمام بحث های کنفرانس و بعد از آن قسرسرار داشت. حزب کمونیست پرتغال اعلام آمادگی نمود که در حکومت آتی شرکت جوید و بدین ترتیب بنا نمایندگی کردن منافع زحمتکشان پرتغال، به کشور برای برون رفت از بحران کنونی و تثبیت دستاورد - های د مکرراتیک حاصل از انقلاب ۲۵ آوریل ۱۹۷۴.

## نکاتی از تاریخچه حزب کمونیست پرتغال

- حزب کمونیست پرتغال در ۶ مارس ۱۹۲۱ در لیسبون پایه گذاری شد.
- با کودتای فاشیستی ماه مه سال ۱۹۲۶، دوزان ۴۸ ساله زندگی و فعالیت مخفی این حزب آغاز شد.
- ۱۵ فوریه ۱۹۳۱ "آوانته" (به پیش)، ارگان مرکزی حزب برای اولین بار در شرایط فعالیت مخفی انتشار یافت. این روزنامه در سالهای تسلط فاشیسم بر پرتغال، زبان گویای حزب در میان توده های خلق بود.
- از سال ۱۹۳۶ تا ۱۹۳۹ کمونیستهای پرتغال و از جمله رفیق آلوارو کونیال در کنار خلق اسپانیا از جمهوری جوان دفاع می کردند.
- تثبیت روزافزون موقعیت حزب در داخل کشور، محافل حاکمه را مجبور نموده بود، که با موجی از ترور به مقابله با این حزب برخیزند. در سال ۱۹۴۹ رفیق آلوارو کونیال در زندان مخوف "پیشه" محبوس شد، جایی که ۸ سال از دوران ۱۱ ساله محبوسیش را در یک سلول کوچک انفرادی و کاملا مجزا بسر آورد. وی در سال ۱۹۶۰ به همراه ده تن دیگر از رهبران حزب موفق به فرار از زندان شد.
- رفیق آلوارو کونیال در سال ۱۹۶۱ به سمت دبیرکل حزب انتخاب شد. حزب مبارزه اصلی خود را طی این سالها مصروف به بسیج توده ها و تقویت جنبش ضد فاشیستی می نمود.
- در تاریخ ۲۵ آوریل ۱۹۷۴ رژیم فاشیستی پرتغال توسط نیروهای مترقی ارتش ساقط شد و حزب کمونیست پرتغال توانست با سازماندهی نیروهای خلق در روزهای قیام، نفوذ زیادی در میان توده ها کسب کند.
- بدین ترتیب حزب توانست در اولین دولت موقت بعد از انقلاب آوریل شرکت جوید. در تاریخ ۲۰ اکتبر سال ۱۹۷۴ هفتمین کنگره حزب در شرایط نهی فعالیت علنی در تالار ورزشی لیسبون برگزار شد.
- در سال ۱۹۷۶ هشتمین و در سال ۱۹۷۹ نهمین کنگره حزب برگزار شد و کمونیستهای پرتغال یکبار دیگر تاکید کردند، که از دستاورد های انقلاب آوریل با همه وجه دفاع خواهند کرد.
- یکی از بزرگترین رویداد های تاریخ حزب، برگزاری جشن شصتمین سالگرد بنیانگذاری آن در سال ۱۹۸۱ بود. حزب کمونیست پرتغال امروزه دارای ۲۰۰ هزار عضو است.

# راستگرایان افراطی تدارک سرکوب انقلاب را می بینند

بقیه از صفحه ۱  
رفیق نورالدین کیانوری، دبیر اول کمیته مرکزی حزب توده ایران در سال ۱۳۲۷ در دادگاه خلق علیه رژیم محمد رضا شاهی در این باره چنین می گوید:

"ما مبارزان حزب توده ایران، سربازان راه آزادی هستیم و آنروز که قیدم در این راه پر خطر نهادیم، زندگی خود را وقف کردیم"

## شیخون بر سپاه دوست

پرچم سرخی که در این "دادگاهها" به دست توده‌ای‌ها نسل به نسل افراشته نگاه داشته شده است، پرچمی است که در طول تمام تاریخ نبرد خلقهای میهن ما، مبارزان حق و عدالت - مانی‌ها، مزدک‌ها، کامو‌ها، یابک‌ها - بر دوش کشیده اند.  
این "دادگاهها" تداوم نبرد خستگی ناپذیر و ابدی نیروی نو علیه نیروی کهن اند.

اما بدون تردید ویژه‌گی‌های "دادگاهی" که تدارک آن را راستگرایان می بینند، قلعه ای است پس بلند از حقانیت نیروی نو، پالاننده و ابدی در مقابل نیروی کهن و محکوم به زوال.  
در این "دادگاه" انسانهای شریف، "یاران روزبه" و "سیاوش‌های سرفراز از آتش" گذشته ای بر روی نمکت انهام دروغین نشاننده می شوند، که سربازان فداکار "سپاه دوست" انقلاب هستند.

دشمنان زحمتکش مردم میهن ما، مار زخم خورد ارتجاع، توانسته اند "هجوم بر پایتخت عشق" را به غافلان "بر شاخه نشسته" القاء کنند، تا آنها "بن" ببرند و بر "قلب طپنده دریای بلند" انقلاب "دام" نهند.

در این "دادگاه" "حلقه های مهربانی" ای بر روی نیمکت های دشمن ساخته و پرداخته انهام نشانده می شوند، "گدازه های آتش-فشان" و "سند انسی" هستند، که در طول بیست و پنجم سال - طول عمر آگاه یبک انسان - درها چکش های جویبه را شکستفاند.  
در این "دادگاه" "پهلوان پدري" بر روی نیمکت انهام "سیا" و "موساد" و "ساواک" ساخته نشانده می شود، که کلامش آتشی است، که "زغال را خاکستر می کند"، "پهلوان پدري" بر روی نیمکت انهام دروغین نشانده می شود، که "جز برای دوستی، دستی در این هنگامه بر نیاورده"، و جز رفاه و رستگاری ما همه نخواسته و سخن جز بر راستی نرانده است.

در این "دادگاه" "المان اندیشگانی" بر نیمکت های سپاه انهام نشانده می شوند، که "سربازان قدیم آزادی" و "سرداران بی شکست" زحمتکشوند، "کلید یافته" ای هستند، که آنرا کارگران از "کف" نخواهند داد و "شپ چراغ" به جان تافته ای هستند، که دهقانان برای روشنی شب تارشان بر "کومه ها" خواهند آویخت.

## انبوه هزار بازو که با تابوت تن بر سر دست به امیدی برخاست و اینک بر آسمان مسدود می نگرد

ویژه گی این "دادگاه"، که دشمنان طبقه کارگر، زحمتکشان روستا، روشنفکران انقلابی، زنان و جوانان میهن دوست، آری، دشمنان همه انسان های شریف مذهبی - مسلمانان مبارز - و دیگر اندیشان مدافع انقلاب تدارک می بینند، در آن است، که آنها می خواهند این "دادگاه" را به دادگاه خواست های خلق، به دادگاه اهداف انقلاب برای تحقق استقلال، آزادی و عدالت اجتماعی تبدیل کنند.  
در این "دادگاه"، تحت پوشش اتهام "جاسوسی" و "جعل اسناد"،  
- خواست کارگران برای قانون کار انقلابی و تامین حقوق کارگران و دیگر زحمتکشان،  
- خواست دهقانان برای اجرای اصلاحات ارضی انقلابی و بهبود زندگی توده های ملیونی دهقانی،  
- اصول قانون اساسی و به ویژه اصل ۴۹ آن در مورد بازرگانی خارجی، دولتی، نقش درجه اول اقتصاد دولتی در خدمت خلق، اصل ۲۶ آن برای تامین آزادی فعالیت احزاب سیاسی غیر محارب، اصل ۲۳ آن برای تامین حق بیان آزاد عقیده، اصل ۱۰۴ آن برای ایجاد شوراهای واقعی - ابزار حاکمیت خلق -،  
- کوشش برای محدود کردن غارتگری تروریست های اقتصادی،  
- حل مسئله مسکن، بهداشت و فرهنگ برای خلق بر نیمکت انهام نشاننده خواهد شد.

آری، از این نوع هستند آن اتهامات واقعی ای که تحت پوشش دروغین "جاسوسی" در این "دادگاه" علیه "سرداران بی شکست" عنوان خواهد شد!  
جرم های سنگین و گذشته ناپذیر این "سرداران بی شکست"، این "سرخ ترین گل های وطن" این "قلب طپنده" انقلاب آن است، که رفیق کیانوری در ۲۸ اردیبهشت ۱۳۶۱ در نامه سرگشاده کمیته مرکزی حزب به مقامات جمهوری اسلامی نوشت:

"جرم ما اینست که از دیر زمان راه انقلاب را به درستی تشخیص دادیم."  
جرم ما اینست که دوستان و دشمنان انقلاب ایران را، چه در درون میهن و چه در صحنه جهانی به درستی شناختیم و با روشنی و پیگیری بر مواضعی که به آن صادقانه معتقد هستیم، ایستادیم.  
جرم ما اینست که ماهیت لیبرالها، امیر - انتظامها، بنی صدرها، قطب زاده ها، بازرگان ها، یزدی ها، صباغیان ها، قاسمی ها و سنجایی ها را به عنوان امید و تکیه گاه امپریالیسم آمریکا، به موقع افشا کردیم.  
جرم ما اینست که از سال ۱۳۵۳، پسدون

هراس از عواقب آن برای خود مان، شریعتمداری - ها را به عنوان نیروی ضد انقلابی به مردم ایران معرفی کرده و از روحانیت و میلمانان مبارز پیرو خط امام خط خمینی پشتیبانی کردیم.  
جرم ما اینست که سرچشمه اساسی همه جریانات خائثانه و ضد انقلابی را، که همان نظام غارتگر کلان سرمایه داری و بزرگی مالکسی وابسته به امپریالیسم است، شناختیم و ماهیت خونخوارش را فریاد ساختیم.

## کلید یافته و شب چراغ به جان تافته

ویژه گی این "دادگاه" در این هم هست که بستاک اقتخاری است بر سر جنبش توده ای و حزب آن، حزب توده ایران، حزب طبقه کارگران ایران که به عنوان تنها جریان سیاسی از این دوران نبرد برای تحقق اهداف انقلاب پیروزمند و سر بلند بیرون آمده است و خط مشی اصولی، انقلابی و علمی آن ثبت تاریخ شده است.  
ویژه گی این "دادگاه" در این هم هست، که بستاک افتخار ابدی بر سر "پدري" است، که سیاوش وار از آتش گذشته و گرمای ابدی به حزنش داده است.

## غافل بر شاخه ای نشسته

ویژه گی این "دادگاه"، که تدارک آن را راستگرایان و دشمنان توده های ما، مسلمانان مبارز می بینند، آن است، که آنها به دست مسلمانان مبارز مقدم ترین خاکسریز و سنگر نبرد نو و کهن را مورد هجوم قرار داده اند و قصد تسخیر آن را دارند، تا بتوانند راه هجوم به خاکسریز های بعدی را، که در پشت آن مسلمانان مبارز سنگر گرفته اند، باز کنند.

ویژه گی این "دادگاه"، که تدارک آن را راستگرایان و دشمنان انقلاب ایران می بینند، در آن است، که "ابزار" و "استدال" های آنها را دستگاه های جاسوسی امپریالیستی ساخته و پرداخته اند، که "تدارک" انهام "جاسوسی" را آن جنایتکاران حرفه ای امپریالیستی ای تدارک دیده اند، که جز توطئه علیه انقلاب ما، هدفی در سر نمی پردازند و اکنون که با القاتل خود "بر شاخه" نشستگان را به بین بردن واداشته اند، با سکوت تأیید آمیزی به تدارک این "دادگاه" تاریخی نظاره می کنند و در عین حال سگان زنجیری خود - ضد انقلاب فراری - را واداشته اند در روزنامه های خود برای مسئولان جمهوری کف بزنند و از آنها "ادام" فرزندان خلق را طلب کنند!

## هنوز دیر نیست

هنوز دیر نیست، هنوز مسلمانان مبارز می توان این روند فاجعه آمیز برای انقلاب و برای خود را متوقف کنند و به آن ایست دهند!  
مسلمانان مبارزی که خود یا این رفقای دربند و یاران آنها نه چندی پیش در همین سلولهای بقیه در صفحه ۱۵



# دستاورد های انقلاب پیروزمند: تحولات بنیادی است

بقیه از صفحه ۱

آن با وجود مقاومت ایتارگرانه خلق در مقابل توطئه های امپریالیستی، از کودتای نظامی تا تجاوز نظامی صدام، از توطئه ناراضی ترافیکی تا بمب گذاری، تا کنون قادر نشده است به اهداف و برنامه های خود به نفع خلق دست یابد و پاسخ لازم را به نیازها و جانفشانی های خلق بدهد. تا کنون چند سال از سر انقلاب و زحمتکشان تلف شده است و برای نشان دادن آن می توان نمونه های فراوانی ارائه کرد. به قول حجت الاسلام هاشمی رفسنجانی "سدها"ی متعددی را می توان بر شمرد، که بسته نشده اند و آبهای فراوانی به هدر رفت.

نخست وزیر: "دولت یا دست تپی و هیئت های هفت نفره با پلاتکلیفی با مسئله زمینی مواجه اند."

"تنها مسئله زمین نیست، که برای کشور به صورت مسئله قابل بحث درآمده باشد، بلکه مسائلی دیگری هم وجود دارند که باید درباره آنها تصمیم گرفته شود."

"با گذشت چهار سال و اندی از پیروزی انقلاب اسلامی، هنوز تازبانه مشکل کمبود و احتکار مسکن بر پشت قشر مستضعف و گم درآید جامعه اسلامی ما فرود می آید."

(اطلاعات در صحبت با تنی چند از نمایندگان مجلس)

اینها نمونه هایی هستند که فقط در یک شماره روزنامه اطلاعات (۲۵ اسفند ۶۱) می توان یافت.

واقعیت دردناک آن است، که نه مسائل کارگری و تامین زحمتکشان شهری، نه مسئله غارتگری های کلان سرمایه داران، که با غارت خلق و دریافت وام های میلیونی و میلیاردری چاق و چله شدند (ایناالله موسوی اردبیلی) حل شده است و نه مسئله زمین برای زحمتکشان روستا و براندازی کلان زمینداری، نه مسئله تجارت خارجی دولتی به نتیجه پیش بینی شده در اصل ۴۹ قانون اساسی رسیده است و نه مسئله توزیع داخلی و کنترل آن توسط دولت در نتیجه، نه بند به دست تروریست های اقتصادی - محترکان و گرانفروشان - زده شده است و نه مستاجران را از چنگال سود ججوی بزرگ مسکن داران نجات داد ایم، و نه قیمت ها را تثبیت کرد ایم، نه ... نه ... نه ... آنوقت هشدار آیت الله موسوی اردبیلی مفسوم می یابد، که می گوید:

"اگر نتوانیم فقر و محرومیت را ریشه کن کنیم، در صد بالایی از اسلام را پیاده نکرده ایم ..."

آنوقت نباید حجت الاسلام هاشمی رفسنجانی، که مصمم بودن مسلمانان مبارز را برای ادامه نبرد و تحقق خواست های خلق نشان می دهد، مفهوم می یابد، که می گوید:

"بدون شك در جمهوری اسلامی روزی خواهد رسید که تمام صاحبان حق به حقوقشان

میرسند و متجاوزان به بیت المال و حقوق ضعیف و کسانی که بدون حق ثروتی انباشته اند دستهایشان از زمین، منابع و امکانات (متعلق به خلق) کوتاه خواهد شد و ما منتظر فرارسیدن چنین روزی هستیم (اطلاعات ۲۵ اسفند ۶۱)

## وقت وقت است داوری را

اکنون وقت آن رسیده است، که بررسی و داوری کنیم، که چرا پس از پیروزی عظیم خلق پیاید "منتظر فرارسیدن چنین روزی" باشیم؟ آیا نبرد رودررونا برابر خلق، که فقط به سلاح جانفشانی و ایمان انقلابی مسلح بود و با دست خالی یک چنین انقلاب عظیم و شکوهمندی را به پیروزی رساند شایستگی دسترسی به این اهداف را نداشت؟ آیا نیروهای مدافع انقلاب، چه سلمان مبارز و چه پیروان سوسیالیسم علمی، لازم مسئله اتحاد عمل برای دفاع از انقلاب و تعمیق دستاورد های آن بی نبرد بودند؟ و آنرا بارها و بارها اعلام و تاکید نکردند؟ آیا لازم یک اتحاد عمل همه جانبه بایک برنامه مشخص و در خدمت خلق دیده نمی شد؟ آیا پیروان سوسیالیسم علمی، و در حله اول حزب نوده ایران دست دوستی و همکاری بسی مسلمانان مبارز دراز نکرده بود؟

تجربه چهار سال می آموزد، که پاسخی سوالهای فوق و درها پاسخ دیگر مثبت است. اگر مهمترین "سد"، که تشکیل "جبهه متحد خلق" است، بسته نشد، مسئولیت آن نه به عهده ما توده های ما و یا سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) بلکه به عهده آنهاست است که این دست دوستی را نغشردند و اکنون باید خلق را باز به روز موعود نرسانند.

## "بیراهگی"

باید به دوستان مسلمان مبارز خاطر نشان کرد، که شما، که در دوران تخریب انقلابی رژیم گذشته قادر شدید صورت کزیه و جنایت گارانه دشمن را به درستی تشخیص دهید و آنرا به خلق بنمایانید، قادر نشدید برای دوران نوسازی جامعه به نفع زحمتکشان سیمای دوست انقلاب را تشخیص دهید. شما ندیدید، که انقلاب اجتماعی عظیم مردم میهن ما، که زیر پرچم و تحت رهبری اسلام انقلابی امام خمینی به پیروزی رسید، باید به قیمت پیروزی و شکست خود - قاطعانه و پیگیر و بدون هر شروع تجلی بر سر مواضع زحمتکشان یا فشاری کند، مواضعی که امام خمینی، رهبر انقلاب آنرا بارها و بارها و صد ها بار در بیانات خود تصریح کرده بودند، زیرا شما تشخیص ندادید، که مسلمان بودن، شرط انقلابی بودن نیست! زیرا شما به تشخیص خود پایبند نماندید که مسلمانان داریم تا "مسلمان" اسلام

انقلابی و جانبدار زحمتکشان و مستضعفان داریم و "اسلام" مستکبران و "اسلام آمریکائی". شما این بیان امام خمینی را با پیگیری عملی و نه حرفی دنبال نکردید که: "دوقشر از ملت ستون فقرات کشور و انقلابند. یک قشر کارگر که با مجاهدت پیگیر خود قبل از انقلاب، با اعتصابات دامنه دار خود انقلاب را به پیروزی رساندند و بعد از انقلاب هم آنها هستند که با کوشش خود و جهاد خود در راه اسلام این انقلاب را به پیش بردند. و قشر دوم کشاورزان، کارگران و کارکنان اساس استقلال کشور هستند." شما بر سر منافع این "دوقشر"، بر سر تامین و تثبیت منافع این "دوقشر" که "اساس استقلال کشور هستند" یا آنها را بر سر بحث و گفتگو نشستید، و آنها را "دوستان نادان" انقلاب نامیدید، که با تمام درک و درایتشان، با تمام امکاناتشان به دفاع از منافع دشمنان طبقاتی همین "دوقشر" و کارگر و کارکنان برخاسته بودند. آنها شما را به این صحنه کشاندند، زیرا قادر شدند سیمای دوست و دشمن انقلاب را مخدوش سازند، هر مسلمان را "انقلابی" جابزنند و راه نفوذ قطب زاده ها بستی صدرها، امیران نظامها، صادقها و کشمیریها و کلاهیها را تا کنار دست شما باز کنند و فاجعه بسازند. شما، که قادر نرسیدید دوست و متحد داخلی و خارجی خود را تشخیص دهید، شما، که قادر نشدید صحنه نبرد را با دشمن طبقاتی تعیین کنید، شما، که زیر فشار شوروی ستیزی و توده ستیزی از صحنه اصلی نبرد دور شدید، این امکان را هم از دست داده اید، که تحولات بنیادی را، که هدف و دستاورد انقلاب پیروزمند است، تحقق بخشید و اکنون مجبورید وعده روز موعود را بدهید!

## هنگام رسیده است اگر که بخواهید

اکنون، چهار سال پس از روزهایی که خلق و در دوران آن توده های ما به جمهوری اسلامی ایران رای مثبت دادند، شانس نجات انقلاب، شانس عملی تحقق خواستهای خلق، که بر پرچم خونین انقلاب کنده و حک شده است هنوز موجود است! هنوز می توان به این روند فاجعه آمیز ایستاد، هنوز می توان ترمز خطر را کشید! شما باید، قاطعانه و صریح متحدان واقعی طبیعی و راستین خود را برای این مرحله انقلاب بیابید. این متحدان آن مسلمانان مبارزی هستند، که بدون "اسا" و "ولی" جانبدار "کارگران و کشاورزان" هستند. این متحدان پیروان صادق سوسیالیسم علمی، توده های ما و فدائیان خلق (اکثریت) هستند، که مدافعان راستین منافع زحمتکشان شهر و ده، مدافعین راستین بقیه در صفحه ۱۳

# هواداران حزب توده ایران و سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) چهارمین سالگرد انقلاب ضد امپریالیستی و مردمی ایران را گرامی می دارند

## لوس آنجلس

چهار سال از انقلاب شکوهمند بهمن ماه ۱۳۵۷ میگذرد. بدون تردید انقلاب ایران یکی از مهمترین رویداد های سالهای اخیر دنیای ما در نبرد تاریخی رهائی از تسلط جابرانه و غارتگرانه امپریالیسم و ارتجاع جهانی میباشد. در طول این چهار سال ایران انقلابی بی نظیر فراز و نشیب ترین دوران تاریخ خود را پشت سر گذاشته است. درونی سرشار از فدائیکاری و ایثار خلقی قهرمان و مصمم که بسا رهبری شخصیتی استثنائی چون امام خمینی یکی از دهشتناک ترین دیکتاتورهای قرن را بریزر کشیده است و در راه گسترش و ترغیب انقلاب خویشرا هیچ کوششی فروگذاری نمی کند. در این مراسم شرت کنندگان و برگزار کنندگان در کنفرانس خود از جمله اظهار داشتند:

چهارمین سال انقلاب در حالی برگزار

می شود که نبرد تاریخی و سرنوشت ساز بین مسلمانان مبارز که حانی منافع زحمتکشان و مستضعفانند از یک طرف و خط مخالف آن یعنی عناصر و گروههای راست و انحصار طلب فئودالی که حامیان بزرگ مالکی و کلان سرمایه داری هستند از طرف دیگر در جریان است، چهارمین سال انقلاب در حالی برگزار می شود که مبارزان را - ستین و آبدیده جنبش کارگری ایران، رفقای کمیته مرکزی حزب توده، ایران - به اتهام های واهی و دروغین ساواک و سیا ساخته متهم شده اند و تحت پیگرد قرار گرفته اند. آنها اظهار امیدواری کردند که پنجمین سال انقلاب شکوهمند ایران، سال تعمیق هرچه بیشتر انقلاب در راه استقلال - آزادی و عدالت - اجتماعی باشد. سالی باشد که همه پیروان راستین سوسیالیسم علمی در ایران بتوانند با آزادی کامل در پشتیبانی خود از حقوق مردم و منافع طبقه کارگر ایران و حفظ دستاوردهای انقلاب و تعمیق آن کوشا تر و فعال تر از هر زمانی

شرکت و حرکت کنند. در مراسم بزرگداشت چهارمین سال پیروزی انقلاب ضد امپریالیستی و خلقی مردم میهن ما در لوس آنجلس توسط هواداران حزب توده ایران و سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) در این شهر و با شرکت حزب کمونیست ایالات متحده آمریکا در دانشگاه کالیفرنیا جنوبی بتاریخ شنبه ۱۹ فوریه ۸۳ برگزار شد. همه نیروهای مترقی و پشتیبان انقلاب ایران در شهر لوس آنجلس شرکت کرده و سازمانها و نیروهای مترقی چون: سازمان جوانان دمکرات فلسطین - هواداران جبهه دمکراتیک برای آزادی فلسطین - هواداران جنبش ملی لبنان - انجمن دانشجویان عراقی در آمریکا و کانادا، بخش اتحادیه عمومی دانشجویان در جمهوری عراق - هواداران انقلاب نیکاراگوئه - جنبش وسیع برای همبستگی با خلق السالوادور - کمیته همبستگی فاروسود (السالوادور) - کمیته همبستگی با خلق کواتالا - انجمن جوانان کمونیست (ایالات متحده آمریکا) - شورای صلح ایالات متحده آمریکا بخش لوس آنجلس - اتحادیه جوانان دمکرات در عربستان سعودی پیام های تبریک بمناسبت چهارمین سال انقلاب ایران دادند و پشتیبانی و همبستگی خود را با مردم قهرمان ایران اعلام داشتند.

## رای ۱۸ میلیون ایرانی به فراندیم جمهوری اسلامی ایران برای رسمیت یافتن حکومت مستضعفین بر مستکبرین بود

ایرانی آزاد، آباد و مستقل و تامین آزادیها و حقوق واقعی دمکراتیک و بالاخره انجام یک تحول بنیادی بسود زحمتکشان که مستقیما از اراده و رای آنان سرچشمه گیرد، به نظام جدید - جمهوری اسلامی ایران - قاطعانه رای دادند. و همانطور که در اعلامیه ۱۲ فروردین ۵۸ کمیته مرکزی حزب توده ایران یاد شده، براساسی که ۰۰۰ رای ۱۸ میلیون ایرانی پشتوانه استوار چنین تحول بنیادی است، تحولی کیه استعمار شوندگان را بر استثمار کنندگان پیروز گرداند.

اموال مصادره شده کلان سرمایه داران و بزرگ مالکان به آنان باز پس داده شود، نه اینکه زحمتکشان سرپناهی برای ادامه زندگی نداشته باشند، نه اینکه آنان در کپرهای و کودهای جنوب شهر یا کمبود مایحتاج ضرور برای زندگی، یا کمبود شرایط لازم بهداشتی، یا کمبود آموزش، یا کمبود شرایط لازم بهداشتی، یا کمبود ... مواجه شوند و غارتگران مردم در کارخانهها و برجهای عاج همچنان به غارتگری ادامه دهند. خونبهای گرانی را که زحمتکشان ایران در تاسیس جمهوری اسلامی و تصویب رساندن قانون اساسی، پرداخته اند، از طرف راستگرایان مورد هجوم قرار گرفته است! آنان تمام هم و غمشان در درگرونگ کردن اهداف این جمهوری و قانون اساسی آن است و سعی و کوشش شان در خشکانیدن ریشه انقلاب!

طبق اخباری که به ما رسیده است در روز شنبه ۳۰ بهمن ماه توسط هواداران تشکیلات دمکراتیک زنان ایران در اتریش جشنی بمناسبت چهارمین سالگرد انقلاب شکوهمند مردم ایران در بخش ۹ وین برگزار گردید. در این جشن که بیش از صد نفر از ایرانیان و دانشجویان عراقی، ترک و شیلی مقیم لوس آنجلس شرکت داشتند، ابتدا سخنانی توسط نماینده تشکیلات در شناسایی انقلاب ایران و پشتیبانی زنان از انقلاب ایژاد گردید. سپس نماینده تشکیلات دمکراتیک زنان اتریش و نماینده شیلی از طرف سازمان "تافیش" پیامهایی مبنی بر پشتیبانی از انقلاب ایران قرائت کردند. آنگاه برنامه هنری توسط ایرانیها و اتریشیها انجام شد. در آن اشعاری درباره انقلاب و خونین شهر و یک قطعه نمایشنامه درباره خاطرات جنگ تحمیلی توسط گروه هنری تشکیلات خوانده و اجرا گردید، که مورد توجه واقع شد. در این مراسم غرفه صنایع دستی ایران همراه با میز اطلاعات و فروش کتاب و نشریات تشکیلات دمکراتیک زنان ایران بزیارت فارسی و آلمانی مورد بازدید مدعوین قرار گرفت. در پایان اسلایدهایی درباره روز جهانی زن (هشتم مارس) و چگونگی بوجود آمدن این روز نمایش داده شد و مراسم با فریادهای سرگ پر آمریکا دشمن خلقهای جهان بسه پایان رسید.

امروز پس از گذشت چهار سال اهداف انقلاب از هر زمان بیشتر مورد خطر قرار گرفته اند. هنوز نه تنها بی بناهای اساسی و گزند ناپذیر شالوده ریزی نشده، بلکه آثار کوشش راستگرایان علیه دستاوردهای انقلاب از هر سو نمایان است. از این رو مردم با دلواپسی و تشویق به آیینده خود و انقلاب می نگرند.

در آستانه پنجمین سالروز تاسیس جمهوری اسلامی ایران متأسفانه شاهد نقض قانون و سرکوب درگرونگ شدن و حتی پرونده سازی های زشت از طرف نیروهای راستگرایان می باشیم. هشدار که آنان خواهان بازگشت رژیم مستبد و وابسته گذشته با ظاهری دیگر می باشند! هشدار که به همه مقامات رسمی، همه سازمانها

زحمتکشان ایران به این امید به این جمهوری رای دادند که ریشه های نظام ستم شاهسی یعنی بزرگ مالکی و کلان سرمایه داری برچیده شود و جامعهای مبتنی بر حقوق حقه زحمتکشان استقرار یابد. زحمتکشان ایران به این امید به این جمهوری رای دادند که دمکراسی به مفهوم واقعی برای آنان استقرار یابد، نه اینکه خودشان و مدافعان راستین آنان با اتهامات واهی به پای میز محاکمه کشانده شوند و مدافعین سرمایه داری همچنان به غارت آنان بپردازند. کارگران به این امید به این جمهوری رای دادند تا بیکری تورم، گرانی، استثمار و بهره کشی سرمایه داران "با آبرو" و "صالح" و "مومن" از بیسن برود. دهقانان به این امید به این جمهوری رای دادند تا اصلاحات ارضی بنیادی و بدون "ذبح شرعی" انجام گیرد، نه اینکه بزرگ مالکان "مشروع" و "مولد" به غارت آنان ادامه دهند. زحمتکشان ایران به این امید به این جمهوری رای دادند تا گامهای جدی در زمینه عدالت اجتماعی برداشته شود نه اینکه

# چگونه آمریکای لاتین علیه فرمانروائی امپریالیسم می رزمند؟

بقیه از صفحه ۴

و غیره از دست میدهند. فشار اقتصادی کشورهای امپریالیستی بر آمریکای لاتین در شرایط رکود اقتصادی سالهای اخیر بشدت افزایش یافته است. در دورانهای بحرانی، سرمایه‌های انحصاری میکوشند بخش بزرگی از بار مشکلات خود را بدوش کشورهای در حال رشد بگذارند، مانع از صدور کالاهای آنها میشوند و برای پرداخت وام شرایط بسیار سنگینی میگذارند و اینک علاوه بر رکود اقتصادی، دیگر پدیده‌های نامطلوب نظیر بحران انرژی، تورم شدید در مراکز سرمایه بین‌المللی نوسانات پی در پی نظام پولی سرمایه‌داری و غیره هم باعث ایراد فشارهای تازه بر کشورهای آمریکای لاتین شده است.

حاصل این سیاست امپریالیستی، تشدید بسیار حاد وابستگی مالی کشورهای آمریکای لاتین بوده است. مثلا در یون خارجی برزیل در زمان حال بالغ بر ۸۵ میلیارد دلار، مکزیک ۸۲ میلیارد دلار و آرژانتین ۴۲ میلیارد دلار است. مجموع دیون خارجی کشورهای منطقه اینک رقمی در حدود ۳۰۰ میلیارد دلار میاشد. در سال ۱۹۸۲ بیش از ده کشور آمریکای لاتین خواستار تعدید مهلت برای بازپرداخت دیون خارجی خود شدند. بطور کلی آمریکای لاتین در حال حاضر با یک بحران حاد مالی دست-بگریبان است.

طبیعی است که تمام اینها به اقتصاد کشورهای در حال رشد لطمه میزند، مسائل اجتماعی را بغرنجتر میکند و همراه با آن باعث ناپایداری سرمایه‌داری وابسته بعنوان یک نظام میشود. شاهد برجسته این واقعیت رشد مبارزات ضد-امپریالیستی در کشورهای آمریکای لاتین است. انفجارهای اجتماعی یکی پس از دیگری، حتی در نقاطی که بظاهر وضع خوبی دارند رخ میدهند.

در دهه گذشته، حساس‌ترین حلقه در این نظام سلطه امپریالیستی، کشورهای آمریکای مرکزی بوده که در آنها پیوج بردگی و تبعیض اجتماعی هرگونه حد و مرز را زیر پا گذاشته است. انقلاب در نیکاراگوئه به دیکتاتوری سوموزا پایان داد. دولت انقلابی برای بازسازی زندگی مشغول انجام درگرونیهای عمیق، برقرار کردن و گسترش فعالیت‌های اقتصادی، محو تدریجی فقر و بیکاری و بیسوادی و مبارزه با بیماریهاست.

زمین زیر پای دیگر دیکتاتورهای وابسته به امپریالیسم در آمریکای مرکزی نیز سست میشود. در السالوادور زیر رهبری جبهه آزاد بیخشم ملی بنام فارابوند وازتی و جبهه دموکراتیک انقلابی مبارزهای سرسختانه علیه خونخوار حاکم انجام میگردد. جنبش ضد دیکتاتوری در گواتمالا گسترش می‌یابد. روند دموکراتیزاسیون در حوزه گائوئیپ تقریبا به اتمام است. طی ده سال گذشته در اینجا هدف دولت مستقل تشکیل شده است.

آمریکای لاتین در زمان کنونی چهره متنوعی در کنار دولت‌های جوان که بتازگی از

پیوج استعمار خلاص شده‌اند، در منطقه د ولتهای زیادی هم هستند که در قرن گذشته به استقلال سیاسی دست یافته‌اند. راه دراز تحولات سرمایه‌داری را پیموده‌اند. طبیعی است که این امر بر ساختار اجتماعی کشورشان تاثیر بجای گذاشته است. در این کشورها تعداد کثیرالعددهای پرولتاریای شهر و ده وجود دارد که گاه میلیونها انسان را شامل میشود. روشنفکران زحمتکش نیز قشر اجتماعی بزرگی را تشکیل میدهند که منافع آنها در مبارزه با منافع طبقه کارگر بهم نزدیک است. در این کشورها تعداد اتحادیه‌های بزرگ کارگری که از منافع زحمتکشان دفاع میکنند کم نیست. احزاب کمونیست هم سهم بسزایی در سازمان دادن صفوف طبقه کارگر و همه نیروهای دموکراتیک و میهن پرست دارند.

جنبش کارگری در این بخش از جهان در سالهای اخیر نیرو میگیرد. پرولتاریا با شرکت در اقدامات وسیع توده‌ای برای دفاع از منافع

در مبارزه برای تجدید سازمان مناسبات اقتصادی بین‌المللی، کشورهای آمریکای لاتین با کشورهای آزاد شده آسیا و آفریقا همکاری نزدیکی برقرار کرده‌اند و در مجامع کشورهای در حال رشد صادرکننده مواد خام شرکت میکنند البته امپریالیست‌ها ناظر بر بی‌تفاوتی این روند که پایه‌های بردگی و بهره‌کشی را در آمریکای لاتین بلرزه در آورده است نیستند. امکانات امپریالیسم برای مقابله با نیروهای دموکراتیک و ترقی خواه هنوز زیاد است.

در سالهای اخیر، ایالات متحده آمریکا برای سرکوب موج فزاینده جنبش ضد امپریالیستی در آمریکای لاتین از وسایل متعدد سیاسی، اقتصادی و حتی نظامی استفاده میکند. در بخش سیاسی خود، برنامه‌های دولت کنونی آمریکا بسوی پشتیبانی همه جانبه از رژیم‌های ارتجاعی و ضد خلقی متوجه است. در بخش اقتصادی-نوی " نقشه مارشال " برای آمریکای لاتین



سیمای شهر سائو پائولو (برزیل)

طراحی کرده‌اند که شامل تشدید فعالیتات با انحصارات چند ملیتی و دادن اعتبارات با شرایط اسارت‌آور میاشد. در بخش نظامی نه تنها افزایش ارسال سلاحها و وسایل جنگی بلکه اعزام " مستشاران " و همچنین کاربرد تیروهای مدخله سریع در صورت پیدا شدن " وضع فوق-العاده " در نظر گرفته شده است. ایالات متحده آمریکا آشکارا د ولتهائی را که گوش فرمان نباشند به مدخله نظامی تهدید میکند.

اما تمام گوششهای واشینگتن نمیتواند مطلب اصلی را بیوشاند. امروزه امپریالیسم قادر نیست به کشورهای آمریکای لاتین برنامه‌های سازنده برای توسعه اجتماعی-اقتصادی پیشنهاد کند. آنچه که کشورهای امپریالیستی در میان میگذارند در حساب آخر عبارتست از " تکمیل " روش‌های گذشته برای حفظ سرمایه‌داری وابسته. این مدل، آنطور که تجربه نشان میدهد، نمیتواند دردهای بزرگ اجتماعی را درمان کند و موجب رهائی از استثمار، بیکاری و بی‌اعتمادی به‌فردا گردد.

حیاتی خویش باعث پیدایش تغییرات مثبت مثلا در برزیل گردیده است. جنبش اعتصابی در دیگر کشورها هم فعال میشود.

یکی از اشکال جنبش آزاد بیخشم ضد امپریالیستی، مبارزه کشورهای آمریکای لاتین برای درگرو کردن نظام اقتصادی جهانی و برقرار کردن نظم جدید اقتصادی بر پایه برابری حقوق و عدالت اجتماعی میاشد.

این مبارزه در عمل منجر به ملی کردن تعداد شرکت‌های بزرگ خارجی گردیده است که بر رشته‌های حساس اقتصادی تسلط داشتند. مثلا در پرو، صنایع نفت، معادن و شیلات دولتی شده است. در ونزوئلا صنایع نفت و گاز و استخراج و ذوب سنگ آهن، در گویان استخراج بوکسیت در مکزیک بانک داری و غیره. در کشورهای که اینگونه تدابیر اتخاذ کرده‌اند، وضع بخش دولتی اقتصاد خیلی مستحکمتر شده و تاثیر تشویق‌کننده‌اش روی رشد اقتصاد ملی کشور در مجموع افزایش یافته است.

# قانون اساسی ضامن نشر آزادانه اندیشه‌ها است

از جمله اصول تفکیک ناپذیر قانون اساسی، تصریحات آن مبنی بر آزادی آراء و عقاید و آزادی احزاب و گروه‌های سیاسی مدافع انقلاب است. به این واقعیت هر روز بخش وسیعتری از نیروهای انقلابی واقع بین پیوسته می‌برند که تحت فشار گذاشتن نیروهای پیرو و اصیل سوسیالیسم علمی و معوق ماندن تصمیمات و اصلاحات بسود محرومان و مستضعفان، در روی یک سکه اند. هر روز این واقعیت بیشتر آشکار می‌گردد که این تضاد فی نیست که هجوم علیه حزب نسوده ایران در همان زمانی شدت می‌گیرد که جزوات "نهضت آزادی" کشته مخالفت با انقلاب بر همگان آشکار است با تیراژ وسیع در ده‌های روزنامه فروشی پخش می‌شود. روزنامه صبح آزادگان اخیرا با تاکید بر لزوم تضمین "آزاد اندیشی" می‌نویسد: "اگر چنین جو مسمومی در جامعه پدید آید که از نشر آزادانه اندیشه‌های غیر مخرب جلوگیری شده و اطلاعات و انتشارات کانالیزه شود، باید منتظر مرگ اندیشه‌ها و آزادبها بود. در همین رابطه است که قانون اساسی، خوبیهایی شهیدان گلگون کفن انقلاب اسلامی مانع و رادعی جهت نشر آزادانه اندیشه‌هایی که با اصول اسلامی و موازین شرع منطبق نباشند بوجود نیاورده است."

اصال این هشدارها نشان می‌دهد که نگرانی درباره عقب‌تیر پاکداشتن حقوق و آزادی‌های مصرحه در قانون اساسی مختص پیروان اصیل سوسیالیسم علمی نیست، بلکه مردم و همه انقلابیون صدیق مسلمان در این نگرانی شریکند.

## تورویسم اقتصادی - اقتصاد تورویستی

در ماه‌های اخیر گرانی و افزایش مخسارج اولیه زندگی آتدر شدت یافته است که دیگر هیچ کس، اگر هم بخواهد، نمی‌تواند نابسامانی در این عرصه‌ها را منکر شود. همه می‌دانند که گرانی بیداد می‌کند. همه می‌دانند که فشار اصلی گرانی روی دوش زحمتکشان است و بقول امام، "آنهايي که بالا نشینند و از طبقات مستکبر هستند آنها برایشان گرانی و احتکار خیلی مطرح نیست، هم ذخیره‌ها دارند، هم اموال زیاد. هر قیمتی باشد می‌توانند تهیه کنند. این مستضعفین هستند که بار این زحمت بدوش آنهاست و بار انقلاب هم بدوش قسوی و محترم آنها بوده است."

بنابر این حتی سرمایه داران غارتگر و مدافعین منافع آنها نیز نمی‌توانند بگویند که خیر، گرانی نیست، زحمتکشان از این حیث زیر فشار قرار ندارند و حتی نمی‌توانند بگویند احتکار وجود ندارد و سود جویی وجود ندارد. پس این سرمایه داران و راستگرایان محافظه کار مدافع غارتگری آنها، برای اینکه سرمایه تجاری را از زیر بقیه در صفحه ۱۳

شما می‌خواهید چکار کنید؟... شما قانون اساسی را پیاده کنید، بگذارید هرکس می‌خواهد ناراضی شود بشود. اما اینکه خیال کنید شاید از طرف بعضی روحانیها مطلبی گفته شود این را بدانید، آقایان عزیز، روحانیونی که از ابتدا در انقلاب بودند، همه آنها از شما می‌خواهند که قانون اساسی را موی پیاده کنید و هیچگاه از میان روحانیون انقلابی بر علیه شما سخنی گفته نخواهد شد. (تکبیر مردم)

وی سپس افزود که در صورت مخالفت روحانیون ضد انقلاب با اجرای قانون اساسی، قبل از همه روحانیون انقلابی مقابل آنها خواهند ایستاد.

واقعیت این است که سرنوشته نبرد حاد طبقاتی در میهن ما، در همه عرصه‌ها، از اجرای اصلاحات بنیادین تصریح شده در قانون اساسی از ایجاد یک نظام اقتصادی - اجتماعی مردمی، از حلع پید بزرگ مالکائی و سرمایه داران گرفته تا تضمین حقوق و آزادی‌های فردی و اجتماعی و آزادی‌های سیاسی احزاب و گروه‌های مدافع انقلاب، همه و همه به تحقق یا عدم تحقق اصول مردمی و انقلابی قانون اساسی بستگی دارد. بر این، سنکر دفاع از قانون اساسی انشون سنکر مقدم دفاع از انقلاب است، و جبهه بندی نیروهای سیاسی - اجتماعی مختلف، بر اساس این محور صورت می‌گیرد. در حالی که نیروهای انقلابی پیرو راستین خط امام از این گفته شهید بهشتی حرکت می‌کنند که می‌گفت:

"همه کسانی که به قانون اساسی رأی دادند باید این قانون اساسی را بعنوان مبنای هر گونه حرکت و وحدت بشناسند و مورد احترام و عمل قرار دهند. مردم عزیز ایران!

کمترین بی‌اعتنایی به قانون اساسی خود را تحمل نکنید! در جامعه‌ای که به قانون اساسی مصوبه آن ملت بی‌اعتنایی شود این خطر وجود دارد که مجددا استبدادها و دیکتاتوری‌ها در شکل‌های جدید و با ظاهری زیبا و فریبنده در افق ایران آزاد شده رخ بنمایند و آزادی و استقلال و مردمی بودن این نظام را، بحطسرافکنند. نسبت به حفظ قانون اساسی از هرگونه تخلف و تجاوز حساس باشید."

(جمهوری اسلامی - ۲۸ بهمن ۶۱)

نیروی محافظه کار و راستگرای افراطی بسا جازده آزاد گذاشتن "گردش سرمایه" بجای "اسلام فقهاتی" تلویحا خواهان تغییر اصول مردمی قانون اساسی می‌شوند، در این رابطه آنچه که قابل تکیه است، این است که قانون اساسی یک کل واحد است و همه آنهايي که برخی از اصول آن را، از جمله اصول مربوط به تضمین آزادی سیاسی نیروهای دگر اندیش انقلابی را، عملا بفراموشی می‌سپارند، خواسته یا نواسته علیه این کل واحد عمل می‌کنند.

# تاکید آیت الله مشکینی بر لزوم اجرای اصول مردمی قانون اساسی

در جریان رویارویی "خط" ها در حاکمیت جمهوری اسلامی ایران، هر روز که می‌گذرد اجرا یا بفراموشی سپردن قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران بیشتر به محور بحث‌ها و درگیریهایی تبدیل می‌شود، چرا که اگر اصول انقلابی و مردمی قانون اساسی اجرا شود، به قدرت اقتصادی طبقات ظالم و زورگو، سرمایه داران و مالکین، ضربه تعیین کننده‌ای وارد خواهد شد. با توجه به این واقعیت، نیروهای انقلابی واقع بین در حاکمیت جمهوری اسلامی ایران، بطور روز افزون بر لزوم اجرای هر چه سریعتر اصول مردمی و انقلابی قانون اساسی تاکید می‌کنند.

در نماز جمعه هفته گذشته در شهر قم، آیت الله مشکینی در این رابطه با توجه به سخنان امام در تجلیل از کوشش‌های نیشینان و نقش آنان در انقلاب گفت:

"وجه دیگر سخن امام با مجلس شورای اسلامی و دولت بود. نمایندگان محترم مجلس و دولت محترم! این اشاره به شما است، مستضعفین را دریابید

کوشش نیشینانها را دریابید و به سراغ اینها بروید، و پس است، اینها یک عمر زیر ظلم کاسخ نیشینانها ماندند. اما چگونه دریابید؟ آقایان عزیز، نمایندگان محترم، در این قانون اساسی که نتیجه فکر، ۷۰ متخصص و چدید اسلام است که نوشته شده و در اختیار شما قرار گرفته است، اصل ۴۵، یک ثروت سرشار و بیکران این کشور را بدست شما می‌دهد که شما در راه نیشینانها مصرف کنید. قدر این اصل را بدانید. آیا این اصل چرا مورد استفاده قرار نمی‌گیرد؟ یا تعلل می‌شود، اگر تعلل ندارید اجازه ندهید دیگران تعلل کنند! انجام دهید و همچنین اصل ۴۹، یک ثروت سرشار دست نخورده را در اختیار شما قرار می‌دهد. چرا اصل ۴۹ را، سر بیع فروعش را، تدوین و تصویب نمی‌نمائید بدست دولت نمی‌دهید و وضعفا را از کوشش در نمی‌آورید؟ و من می‌دانم شما چرا در فریاد ۲۰۰۰ اگر توفقی باشد می‌گویم چرا توقف حاصل می‌شود. از بوق‌های خارجی می‌ترسید؟ بوق‌های خارجی که همیشه علیه شما بودند، و من می‌دانم که از آنها نمی‌ترسید، و اگر علت توقف این است کله‌دهای از شما ناراضی می‌شوند باید بگویم که ایران نسوری است که از ۲۵۰۰ سال پیش فقط در حدود ۵ درصد مردم از دولت راضی و ۹۵ درصد آنان ناراضی بودند، شما اسلام را پیاده کنید اگر آن ۵ درصد از شما ناراضی شوند، ۹۵ درصد از شما راضی خواهند شد. هیچ توقف نکنید! بگذارید این ناراضی‌ها باشند، اینها هیچ وقت راضی نخواهند شد...

# در هفته‌ای که گذشت

بقیه از صفحه ۱۲

ضربه خارج کنند، سعی می‌کنند با عنوان کردن مسایلی از قبیل "احتکار خانگی" "اولا سرمایه داران و مردم را در یک ردیف قرار دهند، ثانیا ناپسامانی سیستم توزیع را ناشی از "کمبودهای طبیعی"، "نداشتن بندر"، "مداخلات زیادی دولت در کارها" و... قلمداد کنند، وثالثا سیاست "ارشاد و نصیحت" در مقابل سرمایه داران را به جمهوری اسلامی تحمیل کنند و حداثر بدست قوه قضائیه چند نفر از محکومین را جریمه و مجازات نمایند.

پس دیده می‌شود که در این میان، آن سلسله انتقادها به سیستم توزیع که حاوی تغییر بنیادی نظام اقتصادی - اجتماعی و خلق یک سرمایه تجاری است، ارزش بخصوصی نسبی می‌کند. مثلاً آقای مرتضی الیوری نمایندنده دماوند و فیروز کوه می‌گوید:

"به کسانی که اعمال ضد اسلامی و انسانی تروریست‌های اقتصادی را توجیه شرعی می‌کنند می‌گویم، ای برادر این ره که تو می‌خواهی، بی‌روی به

مصر و پاکستان است." "و بدین سان بدرستی تاکید می‌کند که ادامه غارتگری سرمایه تجاری، به مسخ کلی ماهیت نظام جمهوری اسلامی خواهد انجامید.

آیت الله موسوی اردبیلی رئیس دیوانعالی کشور نیز بر این نکته تاکید می‌کند که از قوه قضائیه در مورد تروریستهای اقتصادی پیگیری‌های کارایی ساخته نیست و می‌گوید:

"ما در سخنرانی‌ها فریاد کردیم که باید تروریسم اقتصادی از بین برود. این گونه افراد هستند و قوه قضائیه نه تنها با آنها مبارزه نمی‌کند، بلکه باید کلیه این عوامل قلع و قمع شوند و از بین بروند. هر چند به موفقیت چشمگیری دست پیدا نکردیم." (تاکید از ما است) اگر همین کارها را نیز انجام نمی‌دادیم، آنوقت چه می‌شد، خدا می‌داند."

سخنان آقای موسوی اردبیلی حاکی از آن است که هر چند قوه قضائیه می‌تواند تروریست‌های اقتصادی را تعقیب و مجازات کند (آنهم در ابعاد بسیار محدود)، اما قوه قضائیه به تنهایی نمی‌تواند اقتصاد سرمایه‌داری را که به غارت تروریست‌ها ماب خلق مجبور است از بین ببرد بلکه باین منظور باید:

- تجارت خارجی دولتی شود،
- شبکه توزیع دولتی در کنار شبکه توزیع تعاونی و خصوصی (به صورت مکمل) ایجاد گردد،
- شبکه تعاونی‌های مردمی، بویژه تعاونی‌های محلی، مورد حمایت فعال دولتی قرار گرفته و گسترش یابد،
- کنترل دولتی بر نرخ اجناس و توزیع عادلانه برقرار شود.

بقول آقای فواد کریمی نمایندنده مجلس: "وزارتخانه بازرگانی محکوم و گرانفروش را می‌شناسد ولی به او کالا می‌دهد. خود وزارت بازرگانی هم اکنون دست انحصارات تجاری است. وزارت بازرگانی عاقل واسطه‌ها و گرانفروشی است."

وزارت بازرگانی است که سیستمی را در بازار پیاده می‌کند که بجای آنکه کالا را از طریق تعاونی‌های مصرف، به مردم برساند به انحصارات تجاری می‌دهد که با چند برابر قیمت بدست مردم می‌رسد. اگر می‌خواهید این تورم از بین برود اول وزیر بازرگانی و سیاست بازرگانی کشور را تغییر دهید."

آنچه که آقای فواد کریمی را به این نتیجه‌گیری رسانده است، در واقع رویدادهای چند ماهه گذشته است که خبر از روند‌های هشدار دهنده‌ای در درون چندین وزارتخانه و نیز حزب جمهوری اسلامی می‌دهد. بخوبی بیادمان هست که چگونه هنگامی که تخلیفات وزارت بازرگانی بر اثر افشاکاری، حجت الاسلام برهانی معاون برکنار شده دادسرای ویژه امور صنفی مرکز توجه قرار گرفت، حزب جمهوری اسلامی که عملاً مسئولیت حاکمیت را بر عهده دارد، جانب وزیر بازرگانی و سیاست وی را گرفت. بخوبی بیادمان هست که آقایان پورا استاد و خاموشی از کلان سرمایه‌داران بازار، با حمایت حزب جمهوری اسلامی به نمایندگی مجلس رسیدند. تمامی این علائم حاکی از آن است که سیاست حاکم بر حزب جمهوری اسلامی، عملاً در جهت دفاع از منافع سرمایه تجاری است.

راه بیرون رفت از این بحران، تنها و تنها اجرای قاطعانه اصول مردمی قانون اساسی با تکیه بر حمایت نیروی بیکران خلق است، خلقی که در کارخانه‌ها، در روستاها، در همه جا، در سنگر دفاع از انقلاب استوار ایستاده است و هجوم به دستاوردهای آن را با تکرانی دنبال می‌کند.

## دهقانان زحمتکش به آزادی فتوایها و تحت فشار قرار دادن نیروهای انقلابی اعتراض می‌کنند

آزادی غیر منتظره و دور از انتظار تعدادی از خانها و فتوایهای منطقه مرکز از زندان ارومیه در دی ماه گذشته موجب تعجب و تاسف ما مردم محروم منطقه و نگرانی شدید از عواقب وخیم ناشی از سلطه مجدد این تروریستهای سیاسی و اقتصادی گردید.

افرادیکه هر کدام بخوبی در توطئه خائنانه براندازی پسال گذشته ارومیه، در حیثیت و میل بیت‌المال، در تحویل دادن اسلحهمهمات به ضد انقلابیون، در همکاری آشکار و نهان با گروهکهای ضد انقلاب، در فراری دادن ساء و ادبها و طاقوتیان، در انتقال و پخش وسیع مواد مخدرو هروئین و همکاری با شبکه‌های بین المللی قلعاق در اذیت و آزار و آزاره ساءختن صدها و هزارها دهقان محروم منطقه دست داشتند.

و در سال گذشته در رابطه با موارد فوق توسط سپاه پاسداران انقلاب اسلامی ارومیه و حمایت و پشتیبانی بیدریخ مردم منطقه دستگیر و زندانی شدند.

معلوم نیست آزادی این افراد آن هم پس از پیام ۸ ماده‌ای امام بزروی چه اساس و چسبه

دلیلی بوده است؟ اکنون این سؤال مطرح است که چرا شخص بیگناهی نظیر آن خیاط مکرور به اشاره چند مغرض اقدام میشود. و یا عدای از افراد صادق ولی گول خورده به اعدام و یا حبسهای طولانی محکوم میشوند ولی عاملان این همه جنایت در منطقه آزاد می‌گردند.

از ستاد پیگیری فرمان ۸ ماده‌ای امام تقاضا می‌کنیم ضمن رسیدگی دقیق و جدی به علت آزادی اینگونه افراد، علت عدم خلع سلاح و دستگیری تعداد دیگری از خانهای منطقه را هم بررسی کنند.

فتوایهایی که کارشناسی و مخالفت و توطئه چینی آنها علیه نهاد های انقلابی بویژه سپاه پاسداران مجرور و عیان بوده است باشد که بسا اجرای حق و عدالت دست آنها تا ابد از سرما کوتاه گردد.

امضا و اثر انگشت ۱۰۳ تن از دهقانان مرکز کیهان ۲۵ اسفند

## قانون کار باید منطبق بر قانون اساسی باشد

ارسال طومارهای کارگران در اعتراض به پیش نویس ضد کارگری قانون کار ادامه دارد.

در تهران، تنها در دو هفته اول اسفند ماه، دهها طومار با نزدیک به ۱۰۰ هزار امضای کارگران در رد پیش نویس وزیر کار تهیه شد، از جمله در کارخانه شیشه و گاز با ۱۰۰۰ امضا، کارخانه الیاف با بیش از ۱۰۰۰ امضا، تنها در منطقه کارگری جاده سناه، توسط قانون بنز خاوری طوماری با ۵۶ هزار امضا، با این خواست که قانون کار بر اساس قانون اساسی و مشارکت نمایندگان واقعی کارگران تهیه شود تهیه و برای مقامات مسئول ارسال شده است.

در خوزستان، کارگران قسمت های مستغلات و حمل و نقل سنگین ( نفت )، کارگران زیر پوشش اهواز ( نفت )، کارگران حفاری ( نفت ) و کارگران کارخانه خانه سازی ( از جمله )، بسا تهیه ۳۰ طومار حاوی دهها هزار امضا، همین خواست ها ( انطباق قانون کار بر قانون اساسی و مشارکت نمایندگان کارگران در تدوین آن ) را مورد تاکید قرار داده اند.

اینها تنها کوشش از جنبش اعتراضی وسیع کارگران علیه پیش نویس ضد کارگری آقای توکل است که هر روز، وسعت و عمق بیشتری می‌یابد.

## دستاوردهای انقلاب پیروزمند...

بقیه از صفحه ۹

استقلال واقعی کشور، آزادی و عدالت اجتماعی اند. شما باید رهبری حزب ما را در رأس آن رفیق کیانوری را آزاد سازید. بدون این جسارت تاریخی، بدون یافتن متحدان واقعی انقلاب در داخل، بدون یافتن جای انقلاب ما در کنار متحدان خارجی آن، که جنبه ضد امپریالیستی جهانی است، قادر نخواهید شد جمهوری اسلامی ای را تحقق بخشید که در آن صاحبان حق بسا حقوقشان بر سر است.

# نامه خوانندگان

یورش راستگرایان به حزب ما و بازداشت گروهی از رفقای رهبری حزب و در راس آن رفیق نورالدین کیانوری موجی از ابراز احساس و هم‌دردی به‌مراه داشته است. ما نامه‌های شکر-انگیز، اشعار و نقاشی‌های متعددی را دریافت کرده‌ایم.

رفقای جدیدی به ما پیوسته‌اند، که "آن اسیری را" سبب "رهائی خود از دام القا" شده - ستیزی اعلام می‌کنند.

تازه به جرگه پیوسته‌ای در نامه خود از جمله می‌نویسد: "درود بر حزب توده، ایران" پس از آنکه عده‌ای از رهبران حزب توده، ایران به جنگال شریه تعدادان راستگرا اسپر شدند و پای کوی مرتجع‌ترین سروهای داخلی و خارجی پیش از گذشته نمودار گردید، آخرین شگهای کثیف و چرکین القا شده از طرف دشمنان حزب توده، ایران زده گشت و ایمان به رسالت حزب توده، ایران در تاریخ وجود ریشه نداشت.

آن اسیری سبب این رهائی گشت و دشمن کمر نمیداند که با این عمل ننگین باعث میشود که شک و دودلی در باره حزب توده، ایران بیشتر از گذشته ناپدید شده و عشق و ایمان به رهتومد های حزب توده، ایران، چراغی برای ما ره‌گم کرده‌گان گردد، تا راه باطل بگذاره و به راه توده‌ها، به راه حزب توده، ایران گام برداریم. آن دستگیری سبب آزادی است و این آزادی، هدف فرزندان خلق است و اگر روز اعدام آنان نیز بیاید، میدانم که - جلاچوار در پای چوبه دار بگویند که: "معراج سردان بر سردار است." اری معراجی که بنیارتی است از آخرین روزهای عمر جلاخان، باشد که با این رهائی‌ها هر چه منجم تر آن بده‌های

پوسیده، شک و دودلی را بکشائیم. وی سپین، با مقایسه نبرد و راه حزب توده، ایران در دفاع از "کهنتر" ها با شرد مزدک ها و یابک ها، اضافه می‌کند: اینک پرچم‌داران راه آزادی و دشمن کینه توز کهنتری و مهتری و پادشاهی در جنگال گندگان امروزی مزدکها اسپرند، اما دشمن جبون و منفرد شده رفقای آزاده ما را با مبتذلترین و کهنه ترین تهمت‌ها همانا "جاسوسی" به بند می‌کشد، تا بیشتر از گذشته روشن نگردد که چه نیروهایی خواهان و چه نیروهایی دشمن کهنتری و مهتری و پادشاهیند. وی با بهت و حیرتی، که از کلامش می‌تراوید می‌افزاید: اما افسوس برخی از دستیاران دشمنان حزب توده، ایران نه از روی سرسپردگی در برابر امپریالیسم و نه از روی دفاع از کهنتری و مهتری و پادشاهی بسا افتادن به دام دشمن در این راه پر خطر قدم گذاشته‌اند و به جاده صاف کن‌های خدام امپریالیسم کمک می‌رسانند. به زبان مولوی باستی به ایان گفت:

ما که گورانه عضاها می‌زنیم

لا جرم قندیلها را بشکستیم  
و به زبان اغلاطون به دشمنان آگاه و قلم خورده، انقلاب ایران می‌گوئیم: "حقیقت پرست را شکجه دهید، بشکند بهر حال او از دشمن حقیقت نیرومند تر و خوشبخت تر است."

دوستی از لندن کمی نامه زیر را که خطاب به مسلمانان مبارز پیرو خط امام است، برای ما ارسال داشته. این نامه بدین امضا است: ما در زیر قسمت‌هایی از آن را درج می‌کنیم، زیرا بیان کننده نگرانی همه انسانها، شریف در باره سرنوشته انقلاب و اربابان یا حقوق قانونی حزب ما است:

حضرات آیات عظام حجج اسلام پیسروان صدیق خط امام به هوش باشید مد انقسلاب خزنده برای مسخ انقلاب و از بین بردن جمهوری اسلامی ایران بفعالیات خود امزوده و هر روز

پایگاه جدیدی را بدست می‌آورد. روزهای اول انقلاب حجت الاسلام آقای هاشمی رفسنجانی می‌گفتند: "روحانیت و مرتبه انقلاب کرده کشته داده ولی حکومت را از دستش گرفتند. این مرتبه، دیگر نمی‌گذاریم حکومت را از دستمان بگیرند."

جناب آقای هاشمی رفسنجانی و برادران پیرو خط امام بیدار شوید این مرتبه خاکسپار قلدی مثل رضمان یا پسر خائشر محمد رضا حکو-مت را از شما نمی‌گیرد. بلکه کسانی در کسوت خود شما یعنی روحانیت و بنام اسلام البسه اسلام آمریکائی حکومت را از شما خواهند گرفت. تاریخ تکرار می‌شود نتیجه، جارو جنجال تبلیغاتی روزنامه‌های مزدور و جبهه ملی و سایر وزده‌های سیاسی که ضمن وارد نمودن اتهام جاسوسی به حزب توده، ایران، می‌گفتند بزودی توده‌های یا کمک شوروی کودتا خواهند کرد که به توفیق و ضرب و جرح و کشتار اعضای حزب بوسیله پلیس و نظامیان و چاقو داران شاه و احزاب وابسته کشید، تا کودتای آمریکائی ۲۸ مرداد شد. امروز این نوطه با توفیق سران حزب توده آغاز گردیده است.

آقایان محترم بدانید که اگر خدای ناخوا-سته صد‌های انقلاب بزرگ مردمی، بخورد شعبا در مقابل خدا و خلق خدا و تاریخ مسئولیت سنگینی را بعهده دارید و مسئولیت شما هزار بار بیشتر است از مسئولیت جبهه ملی و سایر وابستگان ملی‌گرا که بولگون صدت بظاهر با مردم حم آیت الله کاشانی و مرحوم دکتر مصدق همکاری می‌کردند ولی در پشت سر با دشمنان آمریکائی و انگلیسی سازش داشتند و بعد از کودتا هم به کمک دستگاه تبلیغاتی آریامهری که مسئولیت شکست نهضت را بحساب حزب توده، ایران گذاشتند. وعده‌های بی‌اطلاع حوشریاه را فریب دادند در صورتیکه حزب توده، ایران نه حکومت و نه قدرت اجرایی را در دست داشت و نه مرحوم دکتر مصدق به راهمانی‌های آنها توجه میکرد فقط هیئت حاکمه برای خوشامد فرستاده، آمریکا آنسای هریمین و سفیران کشور هند رشن هر چه توان-ست از توده‌های‌ها قربانی گرفت. ولی امروز ملت ایران، ایستاد انقلاب کرده ملتی است که قدرت انقلابی پیدا کرده نا آنجا که نظران انقلابات السالوادر و کوباغالا و نامی بیا است. این ملت را دیگر نمیشود فریب داد رتسم اشتباهات سیاسی و خلافتاریها را بعهده وطن پرستان واقعی گذاشت.

برادران گرامی حزبی که، تجزیه و تحلیل علمی همه اتفاقات را پیش‌بینی نموده و در طبق اخلاص گذاشته و دهها بار توطئه‌های براندازی را کشف نمود. و اعضای آن هزاران سال زندان پشت سر دارند به ملت خودتقیانت نمی‌کند. هشیار شوید دست خیانت کاران اصلی و واقعی را هر چه زودتر از مملکت کوتاه کنید. شما هیئتسه مردم را بسوی معنیات جلب می‌کنید. بیانیید بحاطر خدا به خود جرات دهید و اعلام نمائید که حزب توده، ایران خادم استند خائن و نیک نامی ابدی را برای خود بیادکسار گذارید.

## بمناسبت یکصدمین سالگرد درگذشت کارل مارکس

# کارل مارکس

پتکی است سنگین و مرگه بار  
کوینده بر سر سرمایه زبون  
کارل مارکس  
این "نام" نیست  
اندیشه‌ای به وسعت دنیای آدمی نیست  
کوهی است استوار  
بحری ست در خروش  
امید پر توان دل توده‌های کار

قرنی گذشت ز روزی که کارل مارکس  
تاریخ شد به پهنه گسترده زمان  
د بیروز... تاریخ می‌نوشت  
تاریخ می‌ستیزد و می‌سازد این زمان

ع. آزاده  
۲۵ اسفند ۶۱

بر شاخه‌های سبز درختان بارور  
اینک برندگان قفسهای زور و زیر  
پنجم اوز "بهاران ماندنی"  
تکرار می‌کنند  
گل بوته‌های تورن باغان رنگ زا  
بر برگهای خود  
رنگی به دلنوازی امید می‌زنند  
اندیشه‌اش کنون  
بر پایه‌های سخت ستونهای آهنین  
می‌سازد آن بنای معظم و زیبای عمر را  
کارل مارکس تنها نه در توان شکوفای عصرها  
کاندر مخیله کودک زمان  
نام تجسم فردای دورهاست  
قرنی گذشت گرچه زمگی که مرگ نیست  
نامش ولی

# همبستگی در دفاع از رفیق کیانوری

کمک مالی برای دفاع از جان رفیق نورالدین کیانوری و هم‌زمان در بندش و ابراز همبستگی با آنان یک وظیفه عاجل انقلابی است!

رفقا! دوستان و علاقمندان زیادی با ارسال نامه‌ها و پیشنهاد های خود و همچنین کمک های مالی به کمک ما برای دفاع از جان رفیق کیانوری در بند شتافته‌اند . ما با تشکر از این دوستان و رفقا، و تا آنجا که صفحات محدود روزنامه اجازه دهد، سعی خواهیم کرد نشانه‌های همبستگی دوستان و رفقای حزب و جنبش توده‌ای را بازتاب دهیم و به ویژه علاقه و عشق عمیقی که نبرد چهل ساله رفیق کیانوری، این "پهلوان پندر" حزب، در بین دوستان و رفقا ایجاد کرده است را به اطلاع خوانندگان "راه توده" برسانیم .

کمک های مالی رسیده از دو نفر از دوستان حزب در انگلستان ۵۰۰۰ پوند

ضمناً به اطلاع علاقمندان میرسانیم که پوستری رنگی اندازه DIN-A2 با تصویر رفیق کیانوری چاپ شده و آماده توزیع است. درآمد فروش این پوستر صرف تأمین هزینه آکسیونهای جنبش همبستگی با رفقای در بند ما خواهد شد . برای تهیه پوستر، می‌توانید با آدرس‌نشر به تماس بگیرید .



## راستگرایان افراطی تدارک سرکوب...

بقیه از صفحه ۸

زندگانی در چنگال ساواک و رژیم شاه گرفتار بودند هنوز می‌توانند دست‌نهیگر برخاسته را کوتاه کنند و انقلاب را از خطر نجات دهند!

پاک و شرافتمندی با زداشت‌شدگان در نبرد چهل ساله آنها علیه رژیم شاه اثبات شده است، میرا بودن آنها را از هر اتهامی صراحت‌کلامشان در دوستی با رژیم‌گاران ضد امپریالیست و مسلمانان مبارز و دشمنی آشفتی ناپذیر آنها با امپریالیسم اثبات کرده است.

هشدار که خاکریزهای بعدی رفسنجانی ها، اردبیلی‌ها، کروی‌ها، برهانی‌ها و خوئی‌ها هستند!

## رای ۱۸ میلیون ایرانی به

بقیه از صفحه ۱۰

و گروه‌های سیاسی و همه کسانی که به پیروزی انقلاب علاقمندند:

در برابر تاریخ و در برابر نسایل معاصر ایران مسئولیم . اگر امروز بجای مقابله با توطئه‌های امپریالیسم، آب به آسیاب آن‌ریخته شود، اگر امروز بجای تصویب و اجرای قوانین بنیادی برای "رسمیت یافتن حکومت مستضعفین بر مستکبرین" تاخیر شود، اگر امروز کمر به تشکیل جبهه متحد خلق بسته نشود، اگر امروز با بسیج مردم راستگرایان از ارگانهای حاکمیت بیرون ریخته نشوند، قسراً دادر خواهد پیود .

امید داریم که پتجمین سالروز تاسیس جمهوری اسلامی ایران، نوید دهنده این اهدا انقلاب باشی!

# زن در جمهوری دمکراتیک خلق یمن

انقلاب ضد استعماری ۱۹۶۸ در یمن باعث شد تا بسیاری از بندهای اجتماعی که قرون متوالی بر پا های مردم این شبه جزیره و خصوصاً زنان آن سنگینی میکرد، گسسته شده و چشم‌انداز آیند های بهتر در افق آن نمایان گردد .

زنان این کشور که بار سنگین سنت‌های عقب مانده قرون را بردوش میکشیدند انقلاب را در ریطا یافتند بر روی علم و دانش، پایان دادن به نابرابریها و یافتن مقام شایسته خود در جامعه . و به حق، انقلابی که رشعاش در مردم بود و از آنها الهام و نیرو میگرفت توانست انتظار آنان را با مشارکت خودشان بر آورده سازد .

دروازه های علم و دانش را بر روی آنان گشود و زندگی را با طرچی نوین به آنان شناساند . زنانی که برای باندهای در گوشه خانه شهرداری "خلق شده بودند به عرصه های دانش و کار راه یافتند . آموزش دیدند، تعلیم کار و پرورش و در پی ریزی آیند میهن و مردم خود شرکت جستند . در کشوری که ۹۰ درصد زنان آن بیسواد بودند، توانستند به آنچنان پیشرفتهایی نائل آیند که اکنون نه تنها تعداد بیسوادان زن بطرز چشمگیری کاهش یافته بلکه نیمی از تمام دانشجویان کشور را نیز دختران تشکیل میدهند . (۲۰۶۲۷۲۷۲۷۲۷ سال ۱۹۸۲) . در عرصه کار و شرکت در فعالیتهای تولیدی نیز حقوق برابر زنان تضمین شده است . زنان در برابر کار متساوی با مردان، مزد متساوی

دریافت میکنند . بیش از ۲۰ درصد تمام شاغلین در رشته های صنعتی از میان زنانند، تعداد کارخانها مدیران زن دارند . پس از انقلاب تغییرات مهمی در قوانین مدنی کشور بسود زنان حاصل شدند . قوانین مربوطه به ازدواج، ارث، سرپرستی کودک در صورت طلاق والدین، همگی به سود زنان تغییر یافتند . چند همسری نیز ممنوع اعلام شده است . مشارکت زنان خصوصاً تحت رهبری اتحادیه عمومی زنان این کشور نقش مهمی در تحولات انقلابی داشته است . فعالیت اتحادیه زنان هم متوجه رفع عقب ماندگی های ناشی از استعمار طولانی کشور توسط انگلیسها و سلطه حکومت استبدادی سابق است و هم تأمین حقوق زنان و مقابله با پیشداری های سنتی و امتیازات برتر مردان چه در اجتماع و چه در خانواده . فعالیت زنان پیشرو در تمام نقاط کشور با هدف بالا بردن آگاهی زنان و دست زدن به ابتکارات برای تأمین مشارکت آنان در مبارزه برای حل مسائل اجتماعی و ایجاد آیند های نوین انجام میگردد . آنان در کنار فعالیت های روشنگرانه، میکوشند تا موسسات رفاهی نظیر مهد کودک و کودکستان و انجمن های فرهنگی برای استفاده زنان ایجاد کنند . رشد آگاهی زنان و شرکت گسترده آنان در زندگی کشور شرات ارزنده خود را داشته و چنانکه در زمین دمکراتیک نوین شاهد هستیم، زنان بسیاری در مقامات عالیله حزبی و دولتی انجام وظیفه میکنند .

## احزاب برادر و نیروهای ضد امپریالیستی از حزب توده ایران دفاع می‌کنند

بقیه از صفحه ۳

اجراء نمود و فیلم "ایران کشور گل و بلبل نمایش داده شد . پیامهای همبستگی متعددی در این مراسم خوانده شد . از جمله این پیامها، پیام روت ماپونی مسئول "کنگره ملی افریقا" در بریتانیا بود که با استقبال شدیدی روبرو شد . از سوی "اتحادیه مختلط کارگران فنی در منطقه شمال غربی بریتانیا نامه اعتراضی نسبت به دستگیری رفیق نورالدین کیانوری دبیر اول حزب توده ایران و بخشی از اعضای کمیته مرکزی حزب تهیه و توسط مسئولین شعب مختلف اتحادیه در منطقه امضا گردیده بود که خوانده شد . این نامه، همانطور که در فوق نیز عنوان شد، توسط هیئت از سوی این اتحادیه چند روز بعد مستقیماً به کنسولگری ایران در منچستر داده شد .

برفراراد اتحادیه نیروهای ضد امپریالیستی و دمکراتیک ایران در جبهه متحد خلق



### جنایت تازه اویتا

باند های ضد انقلابی اویتا که از مدت ها پیش مشغول قتل و غارت در بعضی استان های آنگولا بوده و به دستور اربابان آمریکایی و آفریقای جنوبی خود علیه دولت مردمی آنگولا به فعالیت های خرابکارانه میپردازند، در هفته گذشته دست به عمل جنایتکارانه و بیشرمانه دیگری زدند. آنها در منطقه آلتو کاتومپلا، ۱۶ شهروند جمهوری سوسیالیستی جکسلواکی را که طبق قرار داد دولتی مشغول کار در پروژه های صنعتی در آنگولا بودند، ربودند. بسیاری از ربوده شدگان کودک هستند.

باند ضد انقلابی اویتا با انجام این عملیات وحشیانه ماهیت و چهره ضد انقلابی و جنایتکار خود را یکبار دیگر عیان ساخت. تمام دنیا از کمک های گسترده جمهوری آفریقای جنوبی به این باند تروریستی خبردار است، آفریقای جنوبی هم تأمین کننده این باند جنایتکار با اسلحه و مهمات است و هم عملیات آنرا سازمان دهد می کند. آمریکا نیز با کمک های مالی خسود سهم مهمی در حفظ این باند تروریستی دارد. دولت آنگولا و جکسلواکی سرگرم بررسی اوضاع و جستجوی طریقی برای آزادی این کارشناسان هستند.

### مرحله جدید تسلیحات

ریگان رئیس جمهور آمریکا در یک سخنرانی تلویزیونی ادامه سیاست افزایش تولید تسلیحات از طرف دولت آمریکا را تأکید و برنامه گسترده ای برای تکامل سلاح های اصحا جمعی که، مرزهای آن به فضا کشیده خواهد شد، اعلام کرد. طبق این برنامه با مدرنیزه کردن سلاح های استراتژیک میبایست سیاست زورگویی و تهدید هسته ای به مراحل جدیدی برسد. ریگان مخالفت خود را با جنبش گسترده برای توقف تسلیحات هسته ای اعلام و بر استقرار موشک های میانبرد هسته ای در اروپای غربی با فشاری کرد. وی گفت تنها زمانی با عدم استقرار این موشکها موافقت خواهد کرد که اتحاد

شوروی با اصطلاح "راه حل صفر" پیشنهادهای وی که آمریکا را در موضع برتری نظامی قرار میدهد موافقت کند. خبرگزاری تاس محتوای سخنرانی ریگان را کوشش تازه ای برای شروع مرحله جدیدی از مسابقه تسلیحاتی استراتژیکی خواند. و افزود تمام این برنامه ها در جهت افزایش هیستری جنگی به منظم شانناژ کنگره برای تصویب برنامه های هسته ای است.

### دادگاه بین المللی

دادگاه بین المللی بررسی تجاوز اسرائیل به خاک لبنان که در توکیو پایتخت ژاپن تشکیل جلسه داده بود، اسرائیل و آمریکا را به علت انجام جنایات غیر انسانی و فعالیت علیه صلح مجرم شناخت. این دادگاه افکار عمومی جهان را فرا خواند تا با آوردن فشار، اسرائیل را مجبور کنند تا نیروهایش را از خاک لبنان خارج ساخته و تمام اسیران جنگی و زندانیان سیاسی را آزاد سازد. همچنین حق تعیین سرنوشت خلق فلسطین را برسیت شناخته و تا پشت مرزهای ۱۹۶۷ عقب نشینی کند. این دادگاه ابراز داشته است که آمریکا با کمک های گسترده و مداوم اقتصادی، دیپلماتیک و نظامی خود به اسرائیل، آنرا برای انجام نقشه های تجاوز کارانه خود ترغیب کرده است.

### زنان در اتحاد شوروی

۹۳ درصد زنان قادر به کار در اتحاد شوروی شاغل هستند. از هر سه کارگر ساختمان، یکی زن است. شرکت زنان در رشته های نظیر ماشین سازی، رادیو تلویزیون سازی، انرژی، الکترونیک و غیره نیز بسیار وسیع است. ۸۴ درصد شاغلان در فروشگاهها و رستورانها زنان هستند. در آموزش ملی ۷۴ درصد مشاغل را زنان در دست دارند. در مؤسسات هنری ۷۲ درصد کارکنان زنان هستند. از هر دو مهندس در اتحاد شوروی یکی زن است و دو سوم از تعداد کل اقتصاد دانان اتحاد شوروی زنان میباشند. در روسیه قبل از انقلاب زنان حق انتخاب کردن و انتخاب شدن در ارگانهای دولتی را نداشتند. اما اینک در ترکیب شورای عالی اتحاد جماهیر شوروی و شوراهای عالی جمهوری ها یک سوم نمایندگان را زنان تشکیل میدهند. در شوراهای محلی نمایندگان خلق، تعداد زنان نصف تعداد کل نمایندگان است. تعداد زنان در شورای عالی اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی از

مجموع تعداد نمایندگان زن در تمام مجلس کشور های سرمایه داری بیشتر است. در مقایسه با پنجاه سال پیش تعداد زنان دارای تحصیلات متوسطه و عالی در اتحاد شوروی صد برابر شده است. ۶۹ درصد از مجموع پزشکان اتحاد شوروی را زنان تشکیل میدهند. در آمریکا این رقم تنها ۷ درصد است. از تعداد کل کارکنان علمی در اتحاد شوروی ۴۰ درصدشان زن هستند، در آمریکا این رقم ۹/۴ درصد است.

### رفیق والدک روشه درگذشت

رفیق والدک روشه عضو برجسته رهبری حزب کمونیست فرانسه که از سال ۱۹۶۴ تا هنگام بیماری سختی که در سال ۱۹۶۹ وی را ناچار به کناره گیری از هرگونه فعالیتی نمود، مسئولیت دبیر کلی حزبش را به عهده داشت، روز سه شنبه ۱۵ فوریه سال جاری درگذشت. والدک روشه در سال ۱۹۰۵ زاده شد. پدرش کارگر کفاش رنج دیده ای بود که از روی فقر و اجبار فرزند خود را از ۸ سالگی به یک کشاورز "اجاره" داد. وی در سال ۱۹۲۴ به حزب کمونیست فرانسه پیوست، در سال ۱۹۳۶ به عضویت کمیته مرکزی حزب انتخاب شد و فعالیتاتش در رهبری مبارزه زحمتکشان کشورش در راه صلح، دموکراسی و سوسیالیسم شرکت جست. اعضا و هواداران حزب تنیده ایران در فرانسه به درگذشت رفیق روشه پیام تبلیغاتی به کمیته مرکزی حزب کمونیست فرانسه ارسال نمودند. در این پیام آمده است: رفیقای عزیز، با اندوهی عمیق از درگذشت رفیق والدک روشه آگاه شدیم. او رهبر کمونیست برجسته ای بود که سراسر زندگی خود را در راه صلح، پیشرفت اجتماعی، دموکراسی و سوسیالیسم بیکار نمود. ما ضمن ابراز تسلیت صمیمانه به شما، خود را در ستایشی که طبقه کارگر فرانسه از فرزند مبارز خویش به عمل می آورد، سهیم می دانیم. اعضا و هواداران حزب تنیده ایران در فرانسه

**RAHE TUDEH**  
No. 35  
Friday, 1 Apr. 83  
Winfried Schwarz  
Address: Markgrafenstr. 13  
6000 Frankfurt 90  
Price: England 30 P.  
West-Germany Belgium 22 Fr.  
1 DM Italy 600 L.  
France 3 Fr. U.S.A. 40 Cts  
Austria 8 Sch. Sweden 3 Skr.

### حزب کمونیست پر فعال خواهان یک چرخش ...

بقیه از صفحه ۷  
کمونیست از نفوذ قابل توجهی در میان طبقه کارگر و توده های زحمتکش خلق برخوردار است و به همین جهت بدون ویا علیه کمونیستها، خروج از بحران فعلی میسر نیست. رفیق آلوارو کونیال در کنفرانس اعلام داشت، کسبه اوضاع کشور وجود چند دستگی و اختلاف نظر بین احزاب پارلمان ثابت میکند، که حزب کمونیست پر فعال در زندگی سیاسی کشور تنها نمونه وحدت، به هم پیوستگی صفوف و دموکراسی درون حزبی است و بنا